

سئوالات شده است که از تأخیر آنها ممکن است ضررهائی وارد شود هیچ حاضر نمی شوند بنده نمی دانم علت اینکه از وزارت مالیه تا بحال کسی اینجا نیامده است چیست؟ اگر محظور دارند خوب است بگویند یکی هم مسئله جواهرات است که بنده سؤال کرده ام و شاید بنده و خیلی از آقایان منتظر نتیجه باشیم و بگفتمت از آن راجع به يك جبهه جواهری بود که عرض کردم باسم عباس نام در یکی از بانکهای سویس سپرده شده است

**رئیس** - اینها که جزو دستور نیست .  
**ارباب کیخسرو** - مقصود این است که باید آقایان وزراء بیایند و جواب این مسائل را بدهند  
**رئیس** - جناب عالی را جزو آن کمیسیون معین کرده اند خودتان قبول نکرده اند  
مراسله از طرف دولت رسیده قرائت می شود

(بمضمون ذیل قرائت شد)  
ریاست محترم مجلس شورای ملی  
شیدانه ارکانه  
نظر اینکه لازم است کمیسیون برای رسیدگی بجواهرات و ذخائر سلطنتی تعیین شود هیئت وزراء نیز لازم میدانند ۳ نفر از آقایان نمایندگان از طرف مجلس مقدس شورای ملی در کمیسیون مزبور عضویت داشته باشند

لذا خواهشمند است در صورت تصویب آقای مسادات و آقای حاج شیخ اسدالله و آقای ارباب کیخسرو را لطفاً دعوت فرمائید که عضویت کمیسیون مزبور را قبول و هیئت دولت را ممنون فرمایند  
**رئیس** - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

**مستشار السلطنه** - بنده لازم تر می دانستم قبل از اینکه اشخاص محترم مداخله کنند نظریات و اطلاعات هیئت دولت بعرض مجلس برسد

**رئیس** - راجع بدستور است  
**مستشار السلطنه** - خیر راجع همین رقعہ است که باید قرائت شد  
**رئیس** - مذاکره در دستور است  
**آقای سلیمان میرزا** (اجازه)

**سلیمان میرزا** - راجع بدستور عرضی ندارم راجع باین مراسله عرض دارم .  
**آقا سید یعقوب** - در جلسه گذشته قرار شد عریضه آقای قوام السلطنه جزو دستور جلسه امشب شود امشب هم تکلیفش معین نشد  
**رئیس** - جزو دستور روز شنبه

می شود آقای حائری زاده (اجازه)  
**حائری زاده** - بنده استدعا دارم بشعبات ناکهد شود راپورت های خود را راجع بنمایند کمی آقایان تقی زاده و وثوق الدوله و آقای سید ضیاء الدین را برای جلسه دیگر حاضر نمایند  
**رئیس** - آقایان تصویب میکنند پیشنهاد آقای حائری زاده جزو دستور باشد

بعضی گفتند خیر  
**رئیس** - پس رأی می گیریم آقایانی که تصویب میکنند این مسئله جزو دستور باشد قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)  
**رئیس** - تصویب نشد دیگر راجع بدستور اظهاری هست یا نه؟ (اظهاری نشد)

**رئیس** - آقای سلیمان میرزا (اجازه)  
**سلیمان میرزا** - بنده با کاغذی که از طرف دولت رسیده مخالف هستم زیرا اخیراً می بینم هر سئوالی می کنند هر چه می خواهم فوری جوابش کمیسیون است اگر سؤال کنیم مالیه مملکت چه شده می گویند کمیسیون باید معین شود جواهرات سلطنتی بگوئیم بانک چه ترتیبی دارد می گویند باید کمیسیون معین شود جواهرات سلطنتی چه شده کمیسیون معین کنید اگر بیرسیم کمیسیون جواب این است که شما کلاً با ما مشارکت کنید و دیگر رسد ایتان بلند نشود در -

صورتی که قوه مقننه و قوه مجریه از هم منفکند و باید ناظر یکدیگر باشند یکی راپورت بدهد و دیگری در آن راپورت تحقیقات کند دولت می تواند کمیسینی از اجرای دربار و مالیه هر طور بخواهند و بهر کس اعتماد دارد معین کند به نشینند رسدگی و راپورت بدهند و البته مجلس هم حق تفتیش در کلیه اعمال را دارد و پس از اینکه دولت راپورت دادا اگر مجلس خواست چند نفر از و کلاً معین می کند تفتیش می کنند در خصوص سؤال آقای ارباب کیخسرو یعنی جواهرات و ذخائر سلطنتی همه ما موافق هستیم و باید دید ترتیب مالیه مملکت چه طور است و بمقیده بنده ما برای اینکه کار دولت را بکنیم معین نشده

اگر بنا باشد هر کاری را و کلاً بکنند بکار و کالت نمی توانند برستند و آنوقت جواب آقایان نمایندگان هم این خواهد بود که فلان و کیل هم در آن کمیسیون بود  
بنابر این باین نوع کمیسیون ها مخالف هستم و گمان می کنم ما باید کاملاً وظایف نمایندگان خودمان را انجام بدهیم و بگوئیم هیئت دولت مأمور دارد و قویه

مجریه دولت است باید تحقیقات بکنند و راپورت بدهد بعد مادر آن تفتیش کنیم گذشته از این آن کاغذ شکل خاصی هم پیدا کرده و اسامی اشخاصی را هم معین کرده اند و سه نفر مخصوص را هم اسم برده اند و هنوز از مجلس معین نشده حالا روزنامهها اعلان کرده اند که سه نفر از و کلاًه برای عضویت این کمیسیون معین شده اند بنده این ترتیب را خوش نمی دانم و مقیده ام این است که نباید عضویت این کمیسیون را قبول کرد و اگر آقایان با بنده موافقت فرمایند در جواب بدولت بنویسند قوه مجریه مسئول این ترتیبات است و باید شما خودتان ببیند جواهرات را کی برده و مالیه مملکت را کی حیف و میل کرده است بما راپورت بدهید بعد اگر ما خواستیم تفتیش کنیم مطابق قانون و حقی که داریم تحقیق کنیم والا این ترتیب تقریباً مداخله در قوه مجریه است

**رئیس** - راجع بدستور دیگر مخالفی نیست؟ (اظهاری نشد)  
(مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد)  
**رئیس مجلس - موتمن الملک**

**جلسه ۷۸**  
**صورت مشروح مجلس**  
**یوم شنبه یازدهم رجب**  
**۱۳۴۰ مطابق پنجم برج**  
**حوت ۱۳۰۰**

مجلس تقریباً دو ساعت ونیم قبل از فروب بریاست آقای موتمن الملک تشکیل گردید صورت مجلس یوم پنجشنبه هجدهم حوت ۱۳۰۰ را آقای سهام السلطان قرائت نمودند

**رئیس** - آقای حائری زاده (اجازه)

**حائری زاده** - بنده در جلسه قبل عرض نکردم که راپورت شعب راجع با آقایان وثوق الدوله و تقی زاده و سید ضیاء الدین جزو دستور بگذارند عرض کردم شعب تا کید شود که راپورت آنها را حاضر کنند و بمجلس تقدیم نمایند تا رد و قبول آنها معلوم شود  
**رئیس** - مذاکرات راجع بدستور بود و شما تقاضا کردید جزو دستور شود آقای سید یعقوب (اجازه)

**آقا سید یعقوب** - بنده در جلسه قبل عرض کرده بودم که عریضه قوام السلطنه جزو دستور گذاشته شود و در صورت مجلس هیچ ذکری از آن نشده است  
**رئیس** - اصلاح میشود آقای حاج میرزا علی محمد (اجازه)  
**حاج میرزا علی محمد** - راجع بمخالفتی که بنده در ماده کرده بودم و این

جا هیچ اشاره نشده است  
**رئیس** - این یکی هم اضافه میشود دیگر ایرادی نیست (اظهاری نشد)  
**رئیس** - صورت مجلس با این دو فقره اصلاح تصویب شد آقای وحید الملک (اجازه)

**وحید الملک** - بنده می خواستم توجه آقایان را بمفاد ماده ۴ نظامنامه داخلی جلب نمایم ماده ۴ میگورید نمایندگان می توانند در بدو یا ختم مجلس از وزراء سوالات نمایند و از موضوع سؤال باید قبل از وقت وزیر را مستحضر نمود ولی متأسفانه تا بحال بنده ندیده ام که در بدو مجلس از آقایان وزراء سئوالی بشود و یا آقایان موافقت کنند خاطر آقایان وزراء باین ماده جلب شود و فرضا اگر هم کاری داشته باشند که نتوانند در بدو مجلس خودشان حاضر شوند اقلاً آقایان معاونین را در پارلمان بفرستند تا در ابتدا جلسه سئوالات بشود و بنده شخصاً ابتدای جلسه را برای سئوالات بهتر میدانم برای اینکه ما در ابتدای جلسه تازه تر هستیم و قبل از اینکه داخل دستور شویم و از طول جلسه خستگی حاصل کنم بهتر سئوالات میشود

**رئیس** - لایحه شورای عالی مطرح است مذاکرات در کلیات است در جلسه گذشته نطق آقای وحید الملک تمام شد  
**آقای وحید الملک** (اجازه)

**وحید الملک** - خاطر آقایان مستحضر است که در جلسه گذشته مجلس رأی داد که مذاکرات در حضور وزیر بشود لذا اگر آقایان صلاح میدانند صریح بنده بماند ناموقمی که آقای وزیر تشریف بیاورند .

**رئیس** - نطق جناب عالی بقدری مفصل است که تا شروع فرمائید آقای وزیر هم تشریف خواهند آورد شما شروع فرمائید آقای وزیر هم تشریف می آورند

**وحید الملک** - قبل از اینکه داخل در ماده هم قانون اداری معارف بشوم می خواستم يك جوابی در مقابل اظهار آقای مخبر راجع بیودجه معارف عرض کنم آقای مخبر محترم در ضمن بیان خودشان راجع بلزوم نظارت شورای معارف در بودجه وزارت خانه اظهار فرمودند که اگر شورای عالی معارف نظری در بودجه وزارت معارف داشته باشد نظیر واقعه برج قوس سال گذشته ظاهر نخواهد شد بطور اختصار عرض می کنم بواسطه این ترتیبی که امروزه در بودجه وزارت خانه ها معمول گردیده که چندین ماه بودجه آنها عقب

می افتد این ترتیب سیستم نا مقدس کلاه کلاه در تمام وزارت خانهها برقرار شده است و این حتمی است که پس از عقب افتادن بودجه يك وزارتخانه ترتیب کلاه کلاه در آنجا برقرار میشود و از تقدیم هم این ترتیب و سیستم دروزارت خانهها معمول بوده است و شاید از اول هم بهین مناسبت دائر شده است ولی مالکی که بودجههای شان منظم است سیستم کلاه کلاه رسم نیست و ممکن هم نیست که بودجه آنها عقب بیفتد ولی در اینجا گاه میشود که نه ماه ده ماه یا زده ماه بودجه يك وزارتخانه عقب می افتد و بواسطه همین کلاه کلاه امور میگردد اما در مالک خارجه اگر ۹ ماه یکسال حقوق يك اداره عقب بیفتد بکلی امور اداری از هم میپاشد و چرخهای آن اداره بکلی از حرکت می افتد حالا اگر ما بخواهیم بودجه وزارتخانهها مرتب شود و این ترتیب کلاه کلاه از بین برود باید مالیه خودمان را اصلاح کنیم و باید يك خزانه داری مرتبی برقرار کنیم مایک اداره نظارتی تأسیس کنیم تا بتوانیم این سیستم را از میان برداریم اما بودجه معارف بدترین بودجه بودجه هاست از نقطه نظر بی ترتیبی و بهترین بودجه ها است از برای کلاه کلاه کردن برای این که وزارت معارف يك وزارتخانه است دستي بگیرد از خودش هایدی ندارد و باید دستي بگیرد و خرج کند البته وزارت خارجه برای مصارف ضروری و فوری خودش پول لازم دارد آن مغارج از کجا باید تادیه بشود؟ در سال قوی نیل که زمان کابینه آقای وثوق الدوله بود در ماه قریب بیست هزار تومان برای معارف معین شد و در کابینه های بعد هم يك مقداری بموجب تصویب نامه های هیئت وزراء وقت بر آن اضافه شده بود و دستور العملی که خزانه داری برای پرداخت بودجه معارف و سایر وزارت خانه ها داشت چنانکه آقایان هم مطلع هستند يك کمیسیون با اسم کمیسیون تطبیق حوالجات دروزارت مالیه بود که حوالجات جدیدیکه از محل اختیار بوزارت مالیه میرفت بایستی به کمیسیون تطبیق حوالجات برود و در آن جا سیر اداری خود را کرده بعد بخزانه داری برود و تا این حوالجات سر اداری خود را نمی کرد خزانه داری پول نمیداد و يك تفاوت ایازی مابین محاسبات وزارت معارف با خزانه داری از بسابت تصویب نامهها پیدا شد تا اینکه در برج قوس گذشته در زمان فترت و قبل از کابینه سیاه خزانه داری مصمم شد که محاسبات خود را با وزارت معارف مفروق کند بدون اینکه بجوالبجاتی که بوزارت مالیه رفته بود و بدون اینکه محاسبان معارف خصوصی که از هیئت وزراء

گذشته و به کمیسیون تطبیق حوالجات رفته است منظور کنند حساب خود را خزانه داری تفریح می کند و يك مبلغی که مطابق حوالجات و تصویب نامه ها بود که هنوز در کمیسیون تطبیق حوالجات معطل مانده بود بخیال خودشان ازوزارت معارف طلب کار شدند این بود که حقوق برخ قوس گذشته را بوزارت معارف پرداختند و این مسئله را آقای وزیر بطور خوبی مسبوقتند و می توانند برای آقایان توضیح بدهند علاوه بر این: بنده مسؤل بودجه برج قوس معارف نبودم اگر چه در برج قوس گذشته بنده مسؤل امور معارف بودم ولی چنانچه - آقایان می دانند بودجه وزارت معارف همیشه چند ماه عقب می افتد مثلاً امروز که آقای وزیر معارف متصدی کار معارف هستند اگر چه برج حوت است ولی متأسفانه فعلاً حقوق برج شور و جوزا بمعارف داده میشود نه حقوق برج حوت در این صورت ایشان مسؤل حقوق برج حوت نیستند این مختصر توضیحی بود راجع به بودجه قوس سال گذشته ولی بطور کلی عرض میکنم مادامی که بودجه ها مرتب نیست نمی شود توقع داشت که در وزارت خانه کلاه کلاه نشود در زمان تصدی بنده فقط يك فقره خرج زیادی دارم دروزارت معارف شد آن هم سیصد تومان بود که بموجب تصویب نامه هیئت وزراء از محل اعتبار این سیصد تومان برای جشن صنایع مستظرفه خرج شده است اما راجع بماده ده قانون اداری معارف که وظائف هیئت مشاوره را معین می کند آقای مغیر فرمودند که (حل غوامض امور معارف) يك جمله سهمی است و توضیح آن مشکل است و فرمودند حتی اعضاء کمیسیون سابق هم شاهد از عهد توضیح آن بر بیایند بنظر بنده حل غوامض امور معارف هیچ مبهم نیست بلکه خیلی هم آسان است و يك معنی های خیلی مهمی را حاضری است که بنده یادداشت کرده ام. تعیین بهترین طریق برای تدریس زبان و صرف و نحو فارسی و الف باء و غیر و این یکی از مسائل خیلی مهم است که همیشه در وزارت معارف پیش می آید و مخصوصاً این موضوع مدتی در همان شورای معارف ما مطرح مذاکره بود چندین نفر الف با های مختلف اختراع کرده بودند و يك متبدا و طریقه های مخصوصی برای یاد دادن آن الف باها نوشته بودند و از وزارت معارف تقاضا می کردند که جزء پروگرام مدارس گذارده شود و این مسئله خیلی مهم است یکی دیگر از غوامض معارف تشخیص بهترین طریق است برای مجهز کردن حب وطن در اطفال و این یکی از چیزهای خیلی مهم است که باید از زمان طفولیت حب وطن را با اطفال آموخت و این کار را باید مدرسه و

معلم و وزارت معارف بکنند

آقای مغیر در ضمن فرمایشات خودشان فرمودند که تربیت اطفال با خانواده آنها است بنده هم تصدیق دارم ولی بالاخره مدرسه باید آنها را تکمیل کند این هم یکی از غوامض امور معارف بود که باید شورای معارف آنرا حل کند دیگر از غوامض امور معارف شناساندن و بر قرار ساختن اصول حفظ الصحه و رواج دادن حفظ الصحه عمومی را از راه مدارس و مکاتب و بالاخره از راه معارف تشخیص درجات تحصیلات و تدوین پروگرام برای آنها سعی در رساندن اطفال بدرجات مهمه و بدرجات معین که پروگرام تشخیص می دهد تعیین طریقه نظارت کامل در امتحانات که باید يك نظارت تام و تمامی در امتحانات بشود این کارها از وظائف شورای عالی معارف است تعیین طریق نظارت کامل در اعطای دیپلمها این هم از غوامض امور معارف است پیدا کردن بهترین طریق برای توسعه دادن تحصیلات ابتدائی در میان دهاقین و تشویق کردن آنها را بامور فلاحتی که یکی از چیزهای خیلی مشکل و غوامض معارف همین نکته است که دهاقین را خط و سواد فارسی بیاموزند.

بدون اینکه آنها را از راه و حرفه خودشان که طریق فلاحتی است خارج کنند این مسئله هم مدتی در شورای معارف مطرح مذاکره بود و بالاخره بجائی نرسید و فعلاً هم یکمده مدارس ابتدائی در حومه تهران مابین دهاقین تأسیس شده است ولی بدون اینکه پروگرامی مناسب حال دهاقین داشته باشد باید دهاقین را خط و سواد آموخت ولی باید آنها را محلق باخلاق دهقانی خودشان کرد.

ما که نمی خواهیم آنها را بیاوریم داخل در ادارات بکنیم البته آنها را باید عمل دهقانی آموخت دیگر از غوامض امور معارف بهترین طریق برای آموختن و تعمیم حرفه و ضمیمت میان شهریها است همانطور که دهاقین باید خط و سواد داشته باشند و دهقان باشند همانطور هم شهریها باید خط و سواد داشته باشند و حرفه و ضمیمت هم بیاموزند.

تشخیص و تعیین دروس با امتحانات مخصوصه برای وصول درخدا مملکت کشوری دولتی این هم یکی از غوامض امور معارف است تعیین بهترین طریق برای آموختن خط و سواد با کابر این هم یکی از چیزهایی است که نهایت اهمیت را دارا است يك مملکتی مثل مملکت ما که دارای حکومت ملی است چرا باملتش تقریباً از حله نوشتن و خواندن هاری باشد.

مثلاً اشخاص میروند در جلو صندوق رای و می خواهند برای مجلس شورای ملی وکیل انتخاب کنند و متأسفانه هم وکیل

را بخط خود نمی توانند بنویسند یا بخوانند کی باید این بی سواد را مرتفع سازد؟ البته وظیفه شورای معارف است که يك وسیله برای آموختن و یاد دادن خط و سواد ما با کار بر تهیه کنند تعیین بهترین طریق برای تهیه معلم بجهت مکاتب و مدارس اهمیت این مسئله هم کم نیست و از غوامض امور معارف است که شورای معارف باید تعیین کنند تعیین بهترین طریقه برای ترویج کنفرانس های اخلاقی و ادبی این هم یکی از چیزهای خیلی مهم است که شورای معارف باید آنرا حل کند دیگر از غوامض امور معارف تعیین طریق نظارت در کتب رمانهای اخلاقی و معارفی و چیز هائی است که بطبع میرسد چون وزارت معارف باید در کلبه مطبوعات اخلاقی يك نظارتی داشته باشد ولی به طور سانسور فکری و تهیه ترتیبات دارالفنون که این یکی از غوامض است بهترترین طریق برای ترجمه و تألیف کتب مخصوصاً کتب تدریسی و کلاسیکی و این مهمترین چیز است که امروز برای ما لازم است و مدارس و کیفیات ما محتاجند البته این کارها را وزیر معارف باید بکنند ولی وزیر معارف با نظر کمی این کار را می کنند؟ با نظر شورای عالی معارف تأسیس و تشکیل انجمن های علمی و صنعتی این هم یکی از کارهایی است که باید وزارت معارف بکنند

انجمن های علمی و انجمن های صنعتی را باید به نقشه و فکر شورای معارف رواج بدهد این خلاصه یادداشت هائی بود که راجع بققره اول از ماده دهم شده است ولی در همین زمینه باز قانون اساسی معارف مورخه ۵ شنبه دهم ذی قعدة ۱۳۲۹ موادی برای همین فقره معین می کند که نمونه غوامض معارف را از روی همان مواد می توانیم استنباط کنیم

در ماده دوم آن قانون می گوید پروگرام مدارس و مکاتب از طرف وزارت معارف معین می گردد و باید در پروگرام جلسه علمی و صنعتی و نشر و نمای بدنی ملحوظ باشد. ماده چهارم میگوید:

طریق تحصیل آزاد است لیکن هر کس باید آن اندازه از معلوماتی را که دولت برای درجه ابتدائی معین نموده تحصیل کند دولت کی است؟ همان وزارت معارف است وزارت معارف هم بتوسط شورای معارف درجه تحصیلات را معین میکند ماده ششم می گوید مکاتب و مدارس بر دو قسم است رسمی و غیر رسمی رسمی آنست که از طرف دولت دائر شده باشد غیر رسمی اینست که بانی مخصوص داشته باشد پس مدارس رسمی که از طرف دولت دائر می شود البته دولت همان وزارت معارف است و باید در تحت نظر شورای عالی معارف باشد (در فقره دوم ماده دهم می نویسد بنای مدرسه را موافق ملاحظات حفظ الصحه که از طرف وزارت

معارف مقرر شده است فرا هم می نماید پس لایحه شورای معارف باید در حفظ الصبح مدارس نظر داشته باشد

ماده سیزدهم می نویسد مدارس که از اموال اوقاف دائر است نیز از حیث امور اخلاقی و حفظ صحت تربیت تعلیمات و امتحانات و غیرها تا اندازه که با غرض واقف موافقت کند در تحت نظارت وزارت معارف است

ماده چهاردهم میگوید وزارت معارف باید تدریس کتب را که مضرب اخلاق و دین محصلین است ممنوع نماید کتبی که از طرف وزارت معارف ممنوع شده باشد در هیچ مدرسه نباید تدریس بشود یکی دیگر از کارهایی که باید شورای معارف بکند این است که در ماده شانزدهم می نویسد ما هر یک از مکاتیب و مدارس چهارگانه بر و گرام مخصوص قانونی خواهد داشت و وزارت معارف مسئول اجرای آن پروگرام ها است این پروگرام ها را شورای معارف باید تهیه کند در ماده ۱۸ بنویسد وزارت معارف ترتیب درجات و مراتب تعصیل را معین نموده برای هر کدام امتحانات و تصدیق نامه ها بر قرار خواهد نمود که دخول در خدمات دولتی موقوف بداشتن تصدیق نامه ها خواهد بود پس این کار هم از وظائف شورای معارف است در ماده (۲۰ و ۱۹) راجع به بر قرار کردن مدارس و شکایات دهقانی بنویسد و این هم از وظائف شورای معارف است تمام این مواردی که خوانده شد رسیدگی بر آن ها از وظائف شورای عالی معارف است که در تحت عنوان ماده دهم قانون اداری معارف که وظائف هیئت مشاوره را معین می کند مندرج است و اینکه در فقره دوم این ماده می نویسد تسویه اختلافات بین شکایات و مدارس و آقای مخبر اعتراض فرمودند (که چرا اختلافات را منحصر بمکاتب و مدارس کرده در صورتیکه ممکن است بین دو مدرسه یا دو مکتب هم اختلاف پیدا شود) بنده عرض می کنم اینطور نیست و منحصر نشده است بمکاتب و مدارس و این (واو) و او عطف است یعنی تسویه اختلافات حاصله بین مدارس و اختلافات حاصله بین مکاتب باری مثلا در فقره سوم می نویسد رد قبول تالیفات منلهه برای مکاتب و مدارس این هم از وظائف شورای معارف است که در این لایحه جدید هیچ اسمی از آن برده نشده است یعنی بنده نتوانستم بفهمم که در کدام فقره است

قدین - در فقره هفتم از ماده دوازدهم نوشته شده است

**و حیدر المملک** - فقره هفتم تطبیق تالیفات مخصوصه بمدارس با دستورالعمل رسمی در رد و قبول آنها بلی ممکن است این مسئله چنانچه آن ماده شده باشد فقره چهارم از ماده دهم می نویسد با مشورت در تدارک نواقص تعلیمات و لوازم تحصیلات تلافی از

وجوه اعانه و غیره و ترجیح بعضی تدارکات بمقتضیات حال و این قسمت خیلی اهمیت دارد و در لایحه جدید نوشته نشده است و بنده هیچ دلیلی نمی بینم که این فقره که در تحت عنوان ماده دهم این قانون نوشته شده حذف شود و بجای آن ماده ۱۲ این لایحه نوشته شود راست است در ماده دوازدهم پیشنهادی کمیسیون هم چند فقره از وظائف شورای معارف را ذکر کرده است مثلا فقره دوم و سوم و چهارم و پنجم و ششم و هفتم و نهم و یازدهم اینها هم است ولی بعضی از آن فقراتی که بنده خواندم و خیلی هم مهم است حذف شده مثلا موختن خط سواد با کابر در اینجا هیچ ذکر از آن نشده است از ترتیب مکاتب دهقانی هیچ ذکر نمی شده و حال اینکه خیلی مهم و لازم است که اینک در ماده ۱۵ قانون اساسی معارف مخصوصا مدارس و مکاتب را بچهار نوع تقسیم می کند اول مکاتب ابتدائی دهکده را می نویسد در صورتیکه برای تعلیم و تعلم فقرا و مسکین بهترین وسیله همین مکاتب است چنانچه در ماده ۲۵ که می نویسد مکاتب و مدارس مجانی که بخرج دولت اداره می شود مقصود همین مکاتب دهقانی است و در این لایحه هیچ ذکر از این نشده است اگر مقصود از مدارس ابتداء که در این لایحه نوشته شده است همین مکاتب است پس آنوقت بهیچ اسمی از مکاتب بلندی در آن برده نشده دیگر آنکه برای تعیین بهترین طریق به جهت نمو اخلاقی اطفال در این لایحه هیچ ذکر نشده است

همچنین راجع بامتحانات و طریقه تحصیل برای حاضر کردن مستخدم بجهت دولت در این هیچ ذکر نشده است و مکاتب راجع بتظارت اخلاقی در چیزهایی که طبع می شود از این هم اسمی برده نشده است این است که بعقیده بنده ماده دهم قانون اداری معارف جامع تر است و چه چیزهایی را شامل است که در این لایحه ذکر از آنها نشده است علاوه از ماده یک تا ماده یازدهم این لایحه هم راجع بنظام نامه داخلی شورای معارف است (چنانچه در جلسه قبل هم عرض کردم) و اینها چیزهایی است که سبب تسهیل کار و تاسیس شورای معارف شود بلکه بکس جلوگیری از تاسیس شورای معارف خواهد کرد مثلا می نویسد اعضای شورای عالی معارف که و که و پنج نفر دانشمندان ملکیت بعقیده بنده فقط دانشمندان سهل وساده کافی نیست یا مسئله آنجا که می نویسد (ریاست شورای معارف یا وزیر است) این ماده زائد است و ماده قانونی لازم ندارد که ما ریاست شورای معارف را بوزیر بدهیم مثلا ماده هشت محققا جزء نظامنامه داخلی شورای معارف است می نویسد شورای عالی معارف دارالانشاء

دائمی خواهد داشت یا مثلا ماده نهم که اعضای دارالانشاء را معین می کند که یک رئیس و چند منشی و ضابط و فلان و فلان خواهد داشت در صورتیکه من خودم بوده ام و می دانم که یک نفر رئیس و یک نفر منشی هم کافی بلکه زیاد است علاوه اینها چیزهایی است که باید بنظام نامه داخلی شورای معارف آن ها را معین کند و مربوط بقانون نیست بنده گمان می کنم که اگر این قانون بساین ترتیب بگذرد فقط یک نتیجه خواهد داشت و آنهم این است که بسک عده میز و صندلی بر میز و صندلی های وزارت معارف افزوده خواهد شد مثلا ماده دهم می نویسد:

اساس شورای عالی معارف تعطیل بردار نیست.

این یک چیز فریبی است از چه نقطه نظر تعطیل بردار نیست و تا اکنون در هیچ قانون یک چنین چیزی نوشته نشده است؛ و نیز چنانچه عرض کردم ماده یازدهم و پنج با هم متضادند زیرا در ماده پنج می نویسد وزیر منتخب اعضاء است ولی در ماده یازدهم بشود اعضاء شورای معارف حق انتخاب میدهد یک مسئله دیگر هم است که خالی از اهمیت نیست و آن راجع بجای بودن اعضاء است یک شورای عالی معارف باین وظائفی که در ماده دوازدهم برای آن معین می کند تشکیل بشود و بجای هم باشد بنده که نسبت باین شورای معارف خوش بین نیستم که یک نتیجه مطلوبی بدهد.

شورای معارف باید مرکب باشد از یک عده اعضائی که آنها بطور مستقیم یا غیر مستقیم یک مناسباتی با معارف داشته باشند و چنانچه قبلا هم عرض کرده ام اعضاء شورای معارف اول از نقطه نظر تخصیص تا نیاز نقطه نظر سابقه خدمت و غیره باید اشخاصی باشند که مربوط بمعارف باشند تا اینکه وزارت معارف بتواند از وجود آنها استفاده کند بنده با این ترتیبی که این قانون پیشنهاد می کند عقیده ندارم که یک عده مثلا مثل دانشمندان از خارج بیآورند که میجائند و بلاعرض این وظائف را انجام دهند بنده که خوش بین نیستم شاید آقای وزیر معارف و کمیسیون خوش بین باشد

بنده گمان نمی کنم ماده دو و چهار و هفت یک موادی باشند که شورای عالی معارف برای ما تشکیل داده که وظائف مندرجه در ماده دوازدهم را تضمین کند در شورای معارفی که قبلا ما داشتیم نظر ماین بود که تاحدی کار شورای اداری معارف را هم بکند و اینکه برای اعضاء آن تکالیفی معین نکردیم برای این بود که مطمئن نبودیم بتوانیم با این ترتیبات یک شورای معارفی تاسیس کنیم و امروز هم بنده مطمئن نیستم که با این ترتیبات بتوانند موفق بتاسیس شورای عالی معارف بشوند شورای معارفی که ما داشتیم مرکب بود از

یک اعضائی که (گرچه مناسبات و روابط با معارف داشتند) ولی اشخاصی بودند که در خارج در ادارات دولتی هم مشغول کار بودند و هفته یک ساعت روزهای چهارشنبه قرار بود شورای معارف تشکیل شود روزهای چهارشنبه را به یکشنبه و یکشنبه را به پنجشنبه تبدیل و بالاخره بواسطه جمع نشدن آقایان شوری تعطیل شد بنده تقصیری هم متوجه آن آقایان نمی دانم زیرا اینها یک عده اشخاصی بودند که حقیقتا یک خدمات شایانی بمعارف کرده بودند ولی آن آقایان چون در جا های دیگر هم یک وظایفی داشتند که در مقابل انجام آن وظایف حقوق می گرفتند و ناچار آن کار را بر شورای معارف مقدم می داشتند لذا شورای معارف بواسطه جمع نشدن آقایان تعطیل شد حالا اگر وزارت معارف بتواند موفق شود که باین ترتیب شورای معارف تشکیل بدهد که وظایف ماده دوازدهم را انجام داده و بموجب ماده سیزدهم رأی این شوری هم حتمی الاجرا باشد و بموجب ماده دهم اساس آن تعطیل بردار نمی باشد این یک چیزی است که خارج از بدبینی شده است ولی آنچه که تجربیات گذشته نشان می دهد مواد اشکونه قوانین در موقع عمل متضاد بیکدیگر خواهد بود و بنظر من ماده ده و هفت و سیزده و کلیه فقرات ماده دوازدهم با هم متضادند و نظر باین هرایضی که کردم این لایحه که از کمیسیون آمده و در شور هم در آن شده اولاً جامع نیست که سابق عملی نخواهد بود و بعقیده بنده همان ماده ۱۰ قانون اداری معارف یک ماده جامعی است و تمام وظائفی که در ماده دوازدهم این قانون ذکر شده تمام آنها را متضمن است و علاوه بر این گمان می کنم چیزهای دیگری را هم در آن است که در این لایحه ذکر از آنها نشده است و ضمناً هم بعمل و اجرا نزدیک تر است اگر ما در آنجا دقت داشته باشیم و همانرا اجرا کنیم گمان می کنم بهتر باشد علاوه یکی دو فقره از وظائفی در اینجا ذکر شده است بعقیده من از وظائف مسلمه شورای معارف نیستند مثلا (تصویب اعطای نشان علمی مطابق نظامنامه مخصوص) این یک چیزی نیست که جزء وظائف مسلمه شورای عالی معارف باشد و همچنین رسیدگی بپروچه وزارت معارف یک چیزی نیست که داخل وظائف شورای معارف باشد بوجه بردار است که از طرف دولت برای وزارت معارف معین می شود و دیگری بولهای فوق العاده است که از هدا یا و موقوفات بمعارف میرسد در طریق ثانوی یعنی وجوهی که فوق العاده بمعارف میرسد در آن وجوه شورای عالی معارف می تواند که تمام بیاناتشان یک جزو از مصداق قوانین

می تواند نظری داشته باشد و اینکه در قانون اداری وزارت معارف در فقره دوم از ماده نهم راجع بوظائف معاسبات می نویسد (ترتیب صورتهای ماهیانه از برای هیئت شورای معارف و صورت های ششماهه در روزنامه) که یکی از وظائف اداره معاسبات را تهیه صورت و راپورت ماهیانه معین کرد مراد بود چه فوق العاده است که برای معارف ذکر شده ولی رسیدگی بکلیه بودجهها از وظایف محققه وزیر است و وزیر هم بر طبق قانون باید بمدییر کل رجوع نماید و همچنین در آخر فقره نهم از ماده دوازدهم این لایحه که می گوید اصلاح مکتب خانه ها از وظائف شورای عالی معارف است بنده معتقد هستم و شورای معارف در اجرائیات نباید دخالت کند.

اصلاح مکتب خانه ها از وظائف وزارت معارف است ولی آنجا در جزو وظائف شورای معارف معین شده است فقره دوم از ماده دوازدهم که می نویسد: سنی در تهیه موجبات تکثیر مدارس و تدارک مقدمات تعلیم اجباری و مجانی این مسئله در قانون تشکیلات معارف جزو وظائف وزیر معارف معین شده است و در اینجا جزو وظائف شورای معارف نوشته شده است در صورت نظر بر مراتب فوق الذکر این لایحه اسباب تسهیل حل غوامض امور معارف بیکدیگر خواهد بود و علاوه بر این که با این ترتیب شورای معارف تشکیل نمی شود قانون اداری معارف راهم که یکی از مهمترین و عملی ترین قوانین موضوعه مجلس دوم است از میان خواهد برد و ما نباید این کار را بکنیم و باید قانونی را که فعلا گذرانده ایم بوقع اجرا بگذاریم و در آنجا بوقع اجرا گذارده شد بنده بوقع اجرا گذارده شده و فقط چیزی که از آن قانون بوقع اجرا نیامده است تشکیل هیئت شورای معارف بود که هنوز بوقع اجرا نیامده است و ممکن است وزارت معارف یک نظامنامه صعبی برای شورای معارف ترتیب دهد و آن نظامنامه را بکمیسیون معارف بفرستند و پس از آنکه کمیسیون معارف تصویب کرد بنظر هیئت دولت برسانند.

آنوقت آن هیئت شورای معارف را مطابق آن تشکیل دهند آنوقت آن هیئت شوری با وظایف ششگانه که در ماده دهم قانون ذکر شده است یک هیئتی خواهد بود که از برای معارف امروزه کار خواهد کرد و فوائدی که از یک شورای عالی معارف صعبی گرفته شود از آن هیئت گرفته خواهد شد.

**قدین** (مخبر) - حقیقتا از بیانات مفصله که ناطق محترم فرمودند کاملاً معنی غوامض امور معارف معلوم شد بجهت این که تمام بیاناتشان یک جزو از مصداق قوانین

معارف بود بنده اگر بخواهم بطور تفصیل فرآورد از جمله هائی را که ایشان فرمودند جواب عرض کنم تصور می کنم که هیچ لزومی نداشته باشد (گفته شد صحیح است) و تکرار مکررات است و حکمیت آن فقط با فکر نمایندگان محترم و گذار می کنیم ولی بطور خلاصه و اختصار بعضی از جمله هائی که یادداشت کرده اند جواب عرض می کنم قبل از آنکه داخل در میان جواب شوم یک نکته را متذکر میشوم و آن این است که در جلسه گذشته ناطق محترم در ضمن بیاناتشان فرمودند بعد از آنکه نطق تمام شد دیگر برای شنیدن جواب حاضر نیستم و بیرون خواهم رفت.

ولی حالا خیلی متشکر شدم که بر خلاف اظهار پیر روزها از مجلس خارج نشدند بلی اطاله صحت و تمیدیقت یکی از نکات و رلهائی است که خطبا دارا هستند و بنده هم چون در این کلاس درس خوانده ام و این درس را هم خوانده ام ولی امروز نمی خواهم داخل در این خط مشی بشوم.

قسمت اول از بیانات ایشان مشتمل بود بر تاریخ کمیسیون معارف دوره دوم و معرفی اعضاء کمیسیون و البته در نقل این مسئله نظری داشتند باینکه بنده راجع به ترتیب شورای معارف تشکیل نمی شود بآن کمیسیون داشته باشم اظهار بکنم ایشان فرمودند که قانون معارف در دوره دوم تصویب شد و از در مجلس بیرون رفته و از در بهارستان خارج شده طی منازل و قطع مراحل کرده تا بوزارت معارف رسید و در آنجا بوقع اجرا گذارده شد بنده هم در جواب ایشان عرض می کنم که این قانون شورای معارف نیز انشاء الله تصویب خواهد شد و از همین فضا خارج و از در بهارستان بیرون میرود و از خیابان شاه آباد یا چراغ برق یا پستخانه عبور خواهد کرد و بوزارت معارف وارد خواهد شد و انشاء الله در آنجا بوقع اجرا گذارده خواهد شد بعد فرمودند که قانون تشکیلات وزارت معارف بوقع اجرا گذارده شد و در خانه گذارم.

در صورتی که این قانون در سنه ۱۳۲۹ تصویب شده مطابق بیانات آقای یارسال بوقع اجرا گذارده شده است و فرمودند که آن قانون چون کامل است بنده عرض می کنم آن قانون خیلی ناقص است و این قانون هم که ما امروز تصویب می کنیم در آتی پس ازده یا بیست یا سی سال دیگر نظر بمقتضیات وقت ناقص خواهد بود ولی این نکته را همیشه باید در نظر داشت که قانون باید متناسب با مهارت و اخلاق

و مقتضیات یک ملت و محیط باشد و اگر قریب از این باشد عملی نیست و بوقع اجرا گذارده نمی شود می خواهم یک دلیل مختصری عرض کنم الان نسبت بقوانین که راجع به ادایه وضع شده است ملاحظه بفرمائید مردم از صلحهای نواحی که بدعاوری از یک قران تا بیست تومان رسیدگی میکنند بیشتر راضی هستند تا از صلحهای محلات و از صلحهای محلات بیشتر راضی هستند تا از معاکم بدایات و از معاکم بدایات بیشتر راضی هستند تا از استیفاف و هگنا چرا؟ برای اینکه صلحهای نواحی قوانین و ادارات طول و عریض ندارد و فوراً امر را قطع و فصل و تکلیف را معین می کند صلحهای محلات که تا دو رست و پنجاه تومان را رسیدگی می کنند اول تکلیف بصلح نموده و بعد نسبتاً زودتر حکم میدهند اما معاکم عدلیه بواسطه طول جریان چندین ساله و خسارتهای فوق العاده مردم را ستوه آورده است و این خودش بزرگترین دلیل بر تقصیر قوانین است که متناسب با احتیاجات امروز این مملکت نیست این مطلب از بدیهیات است که هر چیزی که برای مردم نافع باشد محتاج به ترویج نیست و خود مردم عقب او میروند و آن شئی ناقص را بدست می آورند مردم از چیزهایی تنفر پیدا میکنند که به نفع آنها نافع نباشد همینطور است تمام قوانین بنده حالا نمی خواهم آن قانون سابق را بخوانم البته آقایان ملاحظه فرموده اند که یک اداره معارفی در آن معین شده است باینک وظایف هریض و طولی که تا بیست سال دیگر هم اغلب وظایفش مصداق پیدا نخواهد کرد یک اداره تعلیمات عمومی و چه وجه معین شده است مجموع معارف ایران مگر دارای چند مدرسه است؟ یک مثالی است معروف صد بنار بنیر و سبزی دیگر سفره چرمی نمی خواهد یا باصطلاح هوم صد بنار گلبرگ سفره قلمکار نمی خواهد یک مملکتی که در تمام طول و عرض سیصد مدرسه قدیمه و جدیده بیشتر ندارد مگر اداره طول و عرض معارف و تعلیمات عمومی و غیره و غیره نمی خواهد !! این اگر یک روزی انشاء الله دارای چندین هزار هزار مدرسه شدیم البته آنوقت اداره معارف می خواهیم اداره تعلیمات عالی و متوسطه و ابتدای ادارات بزرگ دیگر لازم خواهیم داشت و اینکه می فرمائید من بوقع اجرا گذارم بنده سؤال می کنم که چه اثری بر این اجرا مرتب شد؟ بنده مگر آن اصول هستم و عرض می کنم که احتیاجات امروزه را باید در نظر گرفت و مطابق احتیاجات امروزه بایستی اداره را تشکیل داد بعد ببرند و احتیاجات توسعه پیدا کرد بهمان نسبت هم باید اداره را توسعه داد حالا بعضی هائی ادبی آن قانون کار ندارم زیرا ممکن است از مصاریق وقع من

امی تسعد باشد مثلا در ابتدای قانون تشکیلات در جزء موسسات وزارت معارف و اوقاف می نویسد.

نهم هیئت شورای معارف در ماده ۱۰ با وجودیکه صرفنجه بیشتر فاصله نیست هیئت مشاوره شده است. حالا اینها اشتباهاتی است که قابل هفو است فرمودند که اعضاء شورای عالی معارف سابق متخصص بودند بنده عرض می کنم اگر ماردر معنی متخصص قدری دقیق شویم تصدیق خواهیم کرد که متخصص نبوده اند ولی عالم بوده اند و فرق است بین عالم و متخصص بعقیده بنده متخصص آن کسی است که آنچه درسی خوانده و تحصیلات کرده معلومات مدرسه و غیر مدرسه خود را بوقع عمل گذارده باشد و در ضمن عمل تجربیات پیدا کرده باشد و شعور و لیاقت و کفایت هم داشته باشد که بتواند بین تجربیات خودش و مقتضیات وقت ربط بدهد و از تجربیات خود نتیجه بگیرد اعضاء شورای معارف در آن دوره که آقایان آنجا بودند اشخاص عالمی بودند ولی اشخاص نبودند که یک دوره عملاً مدارس را طی کرده باشند امروزه است یک شاگرد از مدرسه عالی دیپلم درجه اول بیرون بیاید و دارای خیلی معلومات باشد ولی این شخص متخصص در عملیات مدرسه نباشد علاوه عملیاتی که در شورای معارف کرده اند خود آن عملیات کاف است از عدم تخصص آنها بعضی از آن عملیات را حالا عرض می کنم مثلا در پروگرام نوشته اند یکی برای مدارس ابتدائی یکی برای مدارس متوسطه اگر خودشان معلم یا مدیر مدرسه ابتدائی و متوسطه بودند و تعلیمات را در نظر داشتند ابتدا این طرز پروگرام نمی نوشتند فرمودند شورای معارف باید معین کند بهترین طریق ترقی و تربیت و تربیت بچه ها باید افراد را باید تربیت کرد بچه ها باید تدریس کرد خیلی خوب ولی عرض می کنم برای تهیه پروگرام اولین چیزی که لازم است در نظر گرفته شود احتیاجات مملکت است باید تعلیمات را مطابق با احتیاجات مملکت قرار بدهند و در پروگرام سابق این رعایت نشده است دلیلش هم این است که خط مشی معارفی ما چون از معارف فرانسه انتخاب شده است لذا مناسب با احتیاجات مملکت ما نیست بلکه بنده با ادله ثابت می کنم که آن مشی معارف برای خود فرانسه هم مضرات چه رسد برای ما مشرقی ها که بطریق اولی مضر خواهد بود.

بنده محتاج نیستم که دلائل زیادی برای این مطلب اقامه کنم یک کتابی که یک نفر فرانسوی نوشته که بر می هم ترجمه شده است و معروف است بشر تقدم انگلیسی پیدا کرد بهمان نسبت هم باید اداره ما توسعه داد حالا بعضی هائی ادبی آن قانون کار ندارم زیرا ممکن است از مصاریق وقع من

ملت انگلستان مقایسه می کنند تا می رسد به موضوع معارف می گوید تعلیمات فرانسه بر روی این اصل قرار داده شده است که شاگرد از حینی که به مدرسه می رود از طرف پدر و مادر و اولیانش و متصدیان معارف باو تزیین می شود که تو درس بخوان تا در آتیه وزیر بشوی رئیس فلان اداره بشوی چه بشوی .

ولی در انگلستان و همچون در آلمان که این اصل متعلق با آنها بوده است و انگلیسها هم از آنها اتخاذ کرده اند این طور نیست می گویند باید درس بخوانی برای اینکه بعد از اتمام تحصیل خود شاگردان فارغ التحصیل فرانسه وقتی از مدرسه بیرون می آیند هجوم می آورند به ادارات دولتی و این مطلب هم بدیهی است که ادارات فرانسه یک عده مددوری اعضا لازم دارد و نمی تواند سالی چندین هزار دیپلوما بیگیرد و این معصیل هم دیگر عقب شتل پدرشان نمی روند و ناچار طول و عرض خیابان ها را ذرع نموده و هزار گونه آنتریک می کنند و دچار هزار گونه سوء اخلاق می شود تا اینکه وقتی خود را داخل در اداره بکنند .

ولی ملت انگلستان وقتی که از مدرسه بیرون می آیند در صدد این هستند که برای خودشان کار پیدا کنند و اگر در مملکت خود کاری پیدا نکردند سوار رویا شده و در اقصای افریقا یا در جزایر اقیانوسیه کار پیدا می کنند و از عرق جبین تحصیل معاش می کنند و همین جهت است که مهاجرین آنجا نسبتاً بیشتر است و چون مینای پروگرام معارف ایران هم از روی مشی فرانسه بوده .

این است که در پروگرامهایی که در آن شوری نوشته شده رعایت این چیزها را نکرده اند و آن پروگرامها طوری نوشته شده است که هر وقت طفل از مدرسه بیرون بیاید اولاد تاجر باشد یا بقال یا عطار باشد یا حلاف .

با اینکه پدرش از این صنوف مختلفه است مذلک هیچ رفعت نمی کند عقب شتل پدرش برود بلکه تمام نقطه نظرش اشتغال در ادارات است این یکی از نواقص بزرگ تعلیمات ما است .

ولی بنده که هم در در معارف صرف کرده ام و این پروگرام دست بنده بوده است و به موقع اجرا گذاشته ام مایب آنرا می دانم آمدم در پروگرام (در مسئله حل فواض امور معارف بنده شرحی در این خصوص بعد خواهم داد) .

در بیعت شریعت می نویسد نماز - روزه - خمس و غیره و در مباحث فیزیک الکتریسته - برق - تلفن و غیره در بیعت تاریخ می نویسد فلان و فلان و غیره .

متولین مدرسه ساخته اند فقط مسئله این است که مردم را جلب کنند و بنده با کمال تأسف مجبور هستم که در بیک چنین مقام رسمی این مسئله را عرض کنم که متولین و سرمایه داران علاقمند به معارف نیستند زیرا معارف بر ضد آنها است سعی در توسعه معارف السنه و وظیفه مقرر است که متولین بلا شبهه میل ندارند که فقر از راه علم ترقی کند چون متولی خودش وسیله دارد طفلش را به مدرسه بفرستد یا معلم سر خانه می آورد و هر وقت که تحصیلش تمام شد به خارج فرستد و بعد هم که برمی گردد یک عالم سرمایه داری می شود ولی فقیر بیچاره بدبخت ( زبان بگفتن بیچاره و بدبخت حادث نکرده است که تکرار کنم و خوشم هم نمی آید) فقیر این استطاعت را ندارد که ترقی بکند بعد فرمودند که موجب تغییر ماده ده چیست عرض کنم موجب تغییر همان تأویلات جزء اول است که حل فواض امور معارف باشد گذشته از اجال و ایهام و بغض و مایب دیگر یک علت بزرگ دارد و آن انحصار مهم آن قانون است انحصار یعنی چه - قانون را نباید طوری بنویسند که فقط خود نویسندگان بفهمند و دیگران نفهمند قبول نیست که یک عده قانون را بفهمند و دیگران نفهمند و هر طوری که می خواهند آنرا تفسیر و تعبیر کنند ( بنده می خواهم در این موقع یک مثلی بزنم و در مثل هم مناقشه نیست ) چون فرمودند در سابق هم که ایشان معبر کبسیون معارف بودند همین ایراد از آنها شده بود و بنده که یک نفری هستم که قوای جوانیم را در معارف صرف کرده ام و آقایان هم خودشان در معارف زحمت کشیده و اطلاعات دارند غالباً فکر می کردم و می گفتم این فواض امور معارف چه چیز است ، یک قدری تأمل می کردم و بعد می شد دم ولی مطمئن نمی شدم زیرا کبسیون معارف سابق مرکب از متخصمین بود یعنی فرمودند خدمات نمایان چیست خدمات نمایان را بنده توضیح دادم که عبارت است از یک خدمات برجسته به معارف اعم از اینکه مادی باشد یا معنوی بهر قسمی که باشد این حرف شامل می شود

فرمودند اگر یک نفر آمد و هزار تومان داد برای معارف خرج کنند آیا می شود آن شخص را برای شورای معارف انتخاب کرد عرض می کنم برای عضویت آنجا همین یک شرط تنها نیست هر ایط دیگر هم باشد می تواند عضو آنجا بشود ولی بنده اظهار می کنم که متولین یعنی آقاهایی که قدرت دارند ابتدا خدمت به معارف نکرده و نمیکنند فقط لفظ معارف خواهی را با حرارت ادا میکنند اما در مقام مساعدت مالی بر نمی آیند و دلیلش هم این است که هر چه ما مدرسه مهم داریم از مال قدما است از دوره مشروطیت تا بحال کدامیک از

معارف بر سر مسئله حل فواض امور معارف یکی الفبای فارسی است الفبای فارسی را بنیاد تغییر بدیم برای اینکه تعلم آن مشکل است خیلی آسوس می خورم که اگر کسی مطلع باشد از الفبای ( یا بقول آقای آقا سید یعقوب الف ب ) البته خارجه و از زبانهای ملل دیگر و آنها را هم با هم مقایسه کنید و بعد با فارسی مقایسه کنید این حرف را بخواهند زد فقط یک اشکال است که می گویند در خط فارسی اعراب جزء کلمه نیست بنده عرض می کنم مگر حروف الفبای مصری غیر از این الفبای است ؛ چطور شده است که معارف نسبت بمسلمین در درجه اول است برای این است که آنها کار کردند زحمت کشیدند تدریس کردند و خود را بیک مقامات عالی رسانیدند در الفبای فارسی است و در زبان فرانسه و انگلیسی و آلمانی این اشکالات نیست خبر درالسنه آنها هم اشکالات هست و اگر با هم بنظر ورع می شد چرا اینها این کار را نکردند یعنی آنها هم چیز نمی فهمند . پس فقط بصر اینک الفبا مشکل است نمی شود تعبیر داد بملاوه چطور می شود این الفبای را تغییر داد آیا مضاری که بر تغییر این الفبا مترتب است نباید در نظر گرفت ؛ بملاوه این عساکر و وظیفه معلمین متخصمین در زبان فارسی است که تعالی یک نفر از اشخاص زحمت کش در زبان فارسی که نمره اول محسوب می شود و آقای میرزا عبدالعظیمخان است و باید امثال ایشان این کارها را بکنند بشورای معارف چه ربطی دارد شورای معارف باید طرز اجرای پروگرام را معین کند مثلاً طرز اجرای حفاظت الصمه و غیره از وظایف اطباء صحبه و بلدیه است تعیین طریق تربیت اطفال با دارالعلمین است بر فرض نکوئیم که شورای عالی معارف باید نظر داشته باشد که طریق برای تربیت و تعلیم اطفال معین

یک قسمتی از آنها که در خارج روایتی با دیگران داشتند معلمین و مدیران مدارس تقاضا کردند که بما هم شرکت بدهید تا در موقع نوشتن پروگرام مدارس نظریات خودمان را بگوئیم و ایداً بهر طرف آنها اعتنا نکردند حتی یک نفر از اعضاء شوری در یک موقعی می گفت که مدیر مدرسه مرکز معارف است و حق ندارد در وظائف شورای معارف دخالت کند ولی آقایان کلاس گذشت و از مدارس شاگردانی بیرون آمدند که این اصول و موهومه مندرسه را یاره کردند اصول لیاقت و کفایت باید در مملکت دائر باشد و هر کس لایق هر مقامی است باید بآن مقام برسد نظر خانواده و نسب و کیفیات ظاهری هیچ نباید در بین باشد این هم قانون شد که خودتان مقرر باشید و خودتان مجری اما بمسئله برج قوس فعلاً کاری نداریم آمدم بر سر مسئله حل فواض امور معارف یکی الفبای فارسی است الفبای فارسی را بنیاد تغییر بدیم برای اینکه تعلم آن مشکل است خیلی آسوس می خورم که اگر کسی مطلع باشد از الفبای ( یا بقول آقای آقا سید یعقوب الف ب ) البته خارجه و از زبانهای ملل دیگر و آنها را هم با هم مقایسه کنید و بعد با فارسی مقایسه کنید این حرف را بخواهند زد فقط یک اشکال است که می گویند در خط فارسی اعراب جزء کلمه نیست بنده عرض می کنم مگر حروف الفبای مصری غیر از این الفبای است ؛ چطور شده است که معارف نسبت بمسلمین در درجه اول است برای این است که آنها کار کردند زحمت کشیدند تدریس کردند و خود را بیک مقامات عالی رسانیدند در الفبای فارسی است و در زبان فرانسه و انگلیسی و آلمانی این اشکالات نیست خبر درالسنه آنها هم اشکالات هست و اگر با هم بنظر ورع می شد چرا اینها این کار را نکردند یعنی آنها هم چیز نمی فهمند . پس فقط بصر اینک الفبا مشکل است نمی شود تعبیر داد بملاوه چطور می شود این الفبای را تغییر داد آیا مضاری که بر تغییر این الفبا مترتب است نباید در نظر گرفت ؛ بملاوه این عساکر و وظیفه معلمین متخصمین در زبان فارسی است که تعالی یک نفر از اشخاص زحمت کش در زبان فارسی که نمره اول محسوب می شود و آقای میرزا عبدالعظیمخان است و باید امثال ایشان این کارها را بکنند بشورای معارف چه ربطی دارد شورای معارف باید طرز اجرای پروگرام را معین کند مثلاً طرز اجرای حفاظت الصمه و غیره از وظایف اطباء صحبه و بلدیه است تعیین طریق تربیت اطفال با دارالعلمین است بر فرض نکوئیم که شورای عالی معارف باید نظر داشته باشد که طریق برای تربیت و تعلیم اطفال معین

مجلس شورای معارف باید تعیین نمود از نقطه نظر مملکت بشود مثلاً از کجا تا کجا یا بطور متوسطه تا چه مقدار بطور کامل یا بطور ابتدائی مخصوصاً یک لغتی در پروگرام ذکر کرده اند (استمجانان ) (گفته شد شاید مستحذات بود ) خیر کردیم معنی این لغت را پیدا نکردیم و حتی از خود اعضاء شوری هم پرسیدیم گفتند ما نمی دانیم و بالاخره چون پروگرام را از روی پروگرام ابتدائی فرانسه ترجمه کرده بودند بآن رجوع کردیم معلوم شد که مقصود از مستحذات فلها و حیواناتی که در قرون سابقه بواسطه زلزله از بین رفته اند و تحجر پیدا کرده اند مثلاً یک قسم از صدف های دریائی را در پروگرام متوسطه بمنگوبت دریائی ترجمه کرده بودند هر چه ما تجسس کردیم که خدایا بمنگوبت دریائی کجا است ؛ بالاخره مراجعه باصل کردیم معلوم شد صدف دریائی را بمنگوبت دریائی ترجمه کرده اند .

از این هم می گذریم مسلم است که احتیاجات نسوان یک قسمتش غیر از احتیاجات ذکور است و در این مطلب هیچ شکی نیست پس بنابراین پروگرامی که برای مدارس انان نوشته می شود باید حاوی احتیاجات آنها باشد و آقایان یک پروگرامی برای مدارس ابتدائی نوشته اند که بن آنرا در مدارس ذکور و انان در هر دو اجرا کرده اند فقط برای مدارس ذکور یک چیزهایی هم اضافه کرده اند و آن قسمتی که آقای شیخ الاسلام فرمودند که در مدارس متوسطه تا سال چهارم شریعت ندارد صحیح گفتند ولی هر بی دارد نمیدانم چه مناسبت در پروگرام زبان عربی را نکته اندولی روسی و آلمانی را گفته اند و مایب دیگری که در پروگرام متوسطه هست خیلی زیاد است بنده نمی خواهم وقت آقایان را اغفال کنم ولی مکرر بنده خودم خواسته ام که آنها را اصلاح بکنم حتی یک دوره یک قسمتی از مدیران مدارس تشکیل مجمعی داده و از مجلس تقاضا ها نموده ر پیشنهادها کرده اند مجلس گوش نداد یکی از آن پیشنهادات این بود که بایستی اصول عقاید اسلامی در تمام دوره متوسطه تدریس شود و قبول نکردند فقط در سال پنج و شش یک قسمت از سیاسات اسلامی تدریس میشود آنها هم بطور خلاصه

محمد هاشم میرزا - در مجلس همچو چیزی نیامد

تقدیرین - بلی شکایت کرده بودیم

کند آخردر آنجا که ما هستند . شما مدتها بودید با بفرمائید بدانم که آن متنها و طریق مملعی که در پیدا گویها برای تعلیم معین نموده اند کدام است و کی ها معین کرده اند کدام یکی امروزه معمول به است بملاوه هر یک از کتب متد مخصوصی دارد طرز تدریس حساب فیزا طرز تدریس جغرافی است طرز تدریس جغرافی غیر از طرز تدریس عربی است و هر یک از آنها متد خاصی دارند حالا متد فرانسه بهتر است با متد انگلو - ساکسون یا امریکا اینها یک چیزهایی است که باید در موقع نوشتن پروگرام در نظر گرفت اینها بماندیکر اصلاح مکتب خانه ها با تحصیل مستخدمین ادارات و با امور اخلاقی آنها بنده چون در ضمن توضیحات مواد مکرر آنها را عرض کردم دیگر بیشتر از این لازم نمی دانم و اگر باز مقتضی شد آنوقت این لایحه را ماده ماده مقایسه می کنیم با ماده دهم آنقانون

**وحید الملک** - بنده توضیحاتی دارم

رئیس - قبل از جناب عالی سیزده نفر هستند

**وحید الملک** - حق دارم توضیح بدهم

رئیس - توضیح نظامنامه ای دارید

**وحید الملک** - توضیح در زمینه نطق خودم و بیان آقا دارم

رئیس - اگر توضیح نظامنامه ای دارید بفرمائید

**وحید الملک** - من مقصود از توضیح نظامنامه را درست نمی دانم ولی بموجب ماده ۶۳

رئیس - ماده ۱۰۹

**وحید الملک** - بلی بموجب ماده توضیحاتی بدهم

رئیس - ماده ۱۰۹ را ملاحظه بفرمائید

**وحید الملک** - ماده ۱۰۹ اگر در ضمن مباحثات و نطق افترا و تهمت بکنی از نمایندگان زده بود افترا و تهمت نبود ولی

رئیس - بقیه اش را قرائت نمائید

**وحید الملک** - ( با عقیده و اظهار اوبرخلاف واقع جلوه داده شود ) بلی بنده در همین زمینه عرضی دارم

رئیس - پس بطور مختصر بفرمائید

**وحید الملک** - این بیاناتی که مغیر معترم فرمودند در ارجح بنطق بنده نبود یک سلسله عقایدی را ارجح بیروگرام مدارس و عملیات شورای معارف سابق فرمودند و ضمناً با یک حرارتی اظهار عقیده کردند مثل اینکه من خدای نکرده نسبت بشخص

ايشان يا نسبت باعضای کبسیون یک جساتری کرده ام ولی اینطور نبود و از تعریف و تمجید اعضاء کبسیون سابق نظر من خدای ناکرده توهینی نسبت باعضای کبسیون امروزه نبود و نیست فقط عرض کردم که اعضاء شورای معارف متخصم بودند و فیر از آن اظهاری نکردم البته یک آقای مغیر معترم یک خدمات عالی برای معارف این مملکت کرده اند و دیگر در حل غوامض امور معارف هم من یک نظر خصوصی ندارم که می فرمائید این امتیازات باید شکسته شود من نمی دانم اینها امتیازاتی نیست که شکسته شود یک ماده قانونی است که نوشته شده است و آقای مغیر معترم بآن ماده اعتراض داشتند آن ماده را بنده تفسیر کردم و بعقیده خودم آن بیست و یک فقره که اظهار شد از فواض امور معارف است حالا آقای مغیر تردیدی دارند بحال تردید خودشان بماند ولی بنده یک نظریات خصوصی در میان آن بیست و یک فقره ندارم و میل ندارم که سوء تعبیر شود و در باب ادیب و دانشمند من یک شخصی هستم که ادارات مخصوصی نسبت با دبا و شعرا و فضلا تمام مالک داشته و دارم خصوصاً ادبیه مملکت خودمان که من همیشه آنها را تقدیس میکنم ولی چیزی که من گفتم این بود که دانشمندان ساده برای نوشتن پروگرام کافی نیست این عین چیزی است که بنده اظهار کردم و ممکن است در صورت مفصل مذاکرات جلسه گذشته ملاحظه شود و معلوم شود آنچه گفتم این بود که دانشمند سهل و ساده کافی نیست برای نوشتن پروگرام مدارس و خود مغیر معترم هم این عقیده را تایید کردند و همچنین بنده در ضمن اظهارات خودم عرض نکردم که این پروگرام که امروز از برای مدارس تدوین شده است این پروگرام کامل است من هم با ایشان هم عقیده هستم که این پروگرام کافی نیست ولی کسی می تواند پروگرام تهیه کند بازم تکرار میکنم که بگفتن متخصم می - خواهد ولی یک شاعر یا ادیب هر قدر هم بمملکت خودش خدمت کند باز برای اینکار صالح نخواهد بود و اگر بر این نظریه بنده هم ایرادی دارند بفرمائید و راجع بتولی که از ماده ده استنباط کردند من فرض شخصی اصلاً نداشته و امروز هم ندارم و در این شورای عالی معارف هم نیستم و اگر طالب باشم شاید وزارت معارف مرا انتخاب کند ( با وجود اینکه چهارده سال در شوری بوده ام و اگر باز هم بنده را بخواهند جاناً و مالاً حاضر بوده و خواهم بود و مجانی هم کار خواهم کرد ) ولی عقیده من این است که این قانون عملی نیست و اگر بگذرد جزء قوانینی است که تصویب شده و بلااجرا مانده است این هم همانطور خواهد بود و قانون تشکیلات را هم که یکی از قوانین

خوب است لخواه کرد و خیلی میل داشتیم که جواب عقاید مرا وزیر معارف بدهد و طرف من ایشان باشند که در مطالب بنده سوء تعبیر نشود و کیل با و کیل اینطور صحبت نمایند

رئیس - رأی می گیریم بکافی بودن مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند ( اغلس قیام نمودند )

رئیس - معلوم می شود مذاکرات کافی است آقای نظام الدوله پیشنهادیکه فرمودید بخلاف رأی است که داده شده چون در ضمن تصویب مواد تصویب شد که اعضاء شورای عالی معارف نباید وظیفه داشته باشد و این پیشنهادیکه فرموده اید که مقرری داشته باشند برخلاف آن مواد است

**نظام الدوله** - مسترد میدارم

رئیس - رأی می گیریم بلاایسه شورای عالی معارف که مشتال بر پایزده ماده است آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمائید

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد نیم ساعت تنفس داده می شود ( در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید )

رئیس - قتل از شروع بسؤالات یک فقره راپورت کبسیون بود چه که مدتی است تعطیل مانده قرائت می شود و رأی می گیریم ( آقای سهام السلطان بمضمون ذیل قرائت نمودند )

کبسیون بود چه لایحه نمره ۲۴۸۲۴ وزارت مالیه را راجع ببرقراری ماهی هشت و یک تومان ونه قران و پانزده شاهی ملاوه بر ماهی سیزده تومان و دو سوت و پنجاه دینار حقوقیکه مطابق قانون وظایف بیال و یک پسر صغیر و دو نفر صبایای صغار مرحوم عداد الدوله تعلق گرفته و بموجب ماده واحده پیشنهاد کرده بودند تحت مطالعه در آورده و ماده واحده ذیل را تصویب و پیشنهاد مجلس مقدس می نماید

ماده واحده - در مورد عیال و یک پسر صغیر و دو نفر صبایای صغره مرحوم عداد الدوله ماهی مبلغ هشت و یک تومان ونه قران و پانزده شاهی ملاوه بر حقوق دیوانی مشارالیه هم بقسمی که قانون وظایف در حق ورثه مقرر داشته تصویب می نماید که از تاریخ فوت آن مرحوم تا آخر حوت ایت تیل ۱۴۰ بطور شهریه پرداخت شود

رئیس - در این باب مخالفی هست یا خیر گفتند خیر

رئیس - چون مخالفی نیست رأی می گیریم آقایانیکه تصویب میکنند ورثه سفید والا ورثه کبود خواهند داد

خوب است لخواه کرد و خیلی میل داشتیم که جواب عقاید مرا وزیر معارف بدهد و طرف من ایشان باشند که در مطالب بنده سوء تعبیر نشود و کیل با و کیل اینطور صحبت نمایند

رئیس - رأی می گیریم بکافی بودن مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند ( اغلس قیام نمودند )

رئیس - معلوم می شود مذاکرات کافی است آقای نظام الدوله پیشنهادیکه فرمودید بخلاف رأی است که داده شده چون در ضمن تصویب مواد تصویب شد که اعضاء شورای عالی معارف نباید وظیفه داشته باشد و این پیشنهادیکه فرموده اید که مقرری داشته باشند برخلاف آن مواد است

**نظام الدوله** - مسترد میدارم

رئیس - رأی می گیریم بلاایسه شورای عالی معارف که مشتال بر پایزده ماده است آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمائید

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد نیم ساعت تنفس داده می شود ( در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید )

رئیس - قتل از شروع بسؤالات یک فقره راپورت کبسیون بود چه که مدتی است تعطیل مانده قرائت می شود و رأی می گیریم ( آقای سهام السلطان بمضمون ذیل قرائت نمودند )

کبسیون بود چه لایحه نمره ۲۴۸۲۴ وزارت مالیه را راجع ببرقراری ماهی هشت و یک تومان ونه قران و پانزده شاهی ملاوه بر ماهی سیزده تومان و دو سوت و پنجاه دینار حقوقیکه مطابق قانون وظایف بیال و یک پسر صغیر و دو نفر صبایای صغار مرحوم عداد الدوله تعلق گرفته و بموجب ماده واحده پیشنهاد کرده بودند تحت مطالعه در آورده و ماده واحده ذیل را تصویب و پیشنهاد مجلس مقدس می نماید

ماده واحده - در مورد عیال و یک پسر صغیر و دو نفر صبایای صغره مرحوم عداد الدوله ماهی مبلغ هشت و یک تومان ونه قران و پانزده شاهی ملاوه بر حقوق دیوانی مشارالیه هم بقسمی که قانون وظایف در حق ورثه مقرر داشته تصویب می نماید که از تاریخ فوت آن مرحوم تا آخر حوت ایت تیل ۱۴۰ بطور شهریه پرداخت شود

رئیس - در این باب مخالفی هست یا خیر گفتند خیر

رئیس - چون مخالفی نیست رأی می گیریم آقایانیکه تصویب میکنند ورثه سفید والا ورثه کبود خواهند داد

خوب است لخواه کرد و خیلی میل داشتیم که جواب عقاید مرا وزیر معارف بدهد و طرف من ایشان باشند که در مطالب بنده سوء تعبیر نشود و کیل با و کیل اینطور صحبت نمایند

رئیس - رأی می گیریم بکافی بودن مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند ( اغلس قیام نمودند )

رئیس - معلوم می شود مذاکرات کافی است آقای نظام الدوله پیشنهادیکه فرمودید بخلاف رأی است که داده شده چون در ضمن تصویب مواد تصویب شد که اعضاء شورای عالی معارف نباید وظیفه داشته باشد و این پیشنهادیکه فرموده اید که مقرری داشته باشند برخلاف آن مواد است

**نظام الدوله** - مسترد میدارم

رئیس - رأی می گیریم بلاایسه شورای عالی معارف که مشتال بر پایزده ماده است آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمائید

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد نیم ساعت تنفس داده می شود ( در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید )

رئیس - قتل از شروع بسؤالات یک فقره راپورت کبسیون بود چه که مدتی است تعطیل مانده قرائت می شود و رأی می گیریم ( آقای سهام السلطان بمضمون ذیل قرائت نمودند )

کبسیون بود چه لایحه نمره ۲۴۸۲۴ وزارت مالیه را راجع ببرقراری ماهی هشت و یک تومان ونه قران و پانزده شاهی ملاوه بر ماهی سیزده تومان و دو سوت و پنجاه دینار حقوقیکه مطابق قانون وظایف بیال و یک پسر صغیر و دو نفر صبایای صغار مرحوم عداد الدوله تعلق گرفته و بموجب ماده واحده پیشنهاد کرده بودند تحت مطالعه در آورده و ماده واحده ذیل را تصویب و پیشنهاد مجلس مقدس می نماید

ماده واحده - در مورد عیال و یک پسر صغیر و دو نفر صبایای صغره مرحوم عداد الدوله ماهی مبلغ هشت و یک تومان ونه قران و پانزده شاهی ملاوه بر حقوق دیوانی مشارالیه هم بقسمی که قانون وظایف در حق ورثه مقرر داشته تصویب می نماید که از تاریخ فوت آن مرحوم تا آخر حوت ایت تیل ۱۴۰ بطور شهریه پرداخت شود

رئیس - در این باب مخالفی هست یا خیر گفتند خیر

رئیس - چون مخالفی نیست رأی می گیریم آقایانیکه تصویب میکنند ورثه سفید والا ورثه کبود خواهند داد

خوب است لخواه کرد و خیلی میل داشتیم که جواب عقاید مرا وزیر معارف بدهد و طرف من ایشان باشند که در مطالب بنده سوء تعبیر نشود و کیل با و کیل اینطور صحبت نمایند

رئیس - رأی می گیریم بکافی بودن مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند ( اغلس قیام نمودند )

رئیس - معلوم می شود مذاکرات کافی است آقای نظام الدوله پیشنهادیکه فرمودید بخلاف رأی است که داده شده چون در ضمن تصویب مواد تصویب شد که اعضاء شورای عالی معارف نباید وظیفه داشته باشد و این پیشنهادیکه فرموده اید که مقرری داشته باشند برخلاف آن مواد است

**نظام الدوله** - مسترد میدارم

رئیس - رأی می گیریم بلاایسه شورای عالی معارف که مشتال بر پایزده ماده است آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمائید

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد نیم ساعت تنفس داده می شود ( در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید )

رئیس - قتل از شروع بسؤالات یک فقره راپورت کبسیون بود چه که مدتی است تعطیل مانده قرائت می شود و رأی می گیریم ( آقای سهام السلطان بمضمون ذیل قرائت نمودند )

کبسیون بود چه لایحه نمره ۲۴۸۲۴ وزارت مالیه را راجع ببرقراری ماهی هشت و یک تومان ونه قران و پانزده شاهی ملاوه بر ماهی سیزده تومان و دو سوت و پنجاه دینار حقوقیکه مطابق قانون وظایف بیال و یک پسر صغیر و دو نفر صبایای صغار مرحوم عداد الدوله تعلق گرفته و بموجب ماده واحده پیشنهاد کرده بودند تحت مطالعه در آورده و ماده واحده ذیل را تصویب و پیشنهاد مجلس مقدس می نماید

ماده واحده - در مورد عیال و یک پسر صغیر و دو نفر صبایای صغره مرحوم عداد الدوله ماهی مبلغ هشت و یک تومان ونه قران و پانزده شاهی ملاوه بر حقوق دیوانی مشارالیه هم بقسمی که قانون وظایف در حق ورثه مقرر داشته تصویب می نماید که از تاریخ فوت آن مرحوم تا آخر حوت ایت تیل ۱۴۰ بطور شهریه پرداخت شود

رئیس - در این باب مخالفی هست یا خیر گفتند خیر

رئیس - چون مخالفی نیست رأی می گیریم آقایانیکه تصویب میکنند ورثه سفید والا ورثه کبود خواهند داد

خوب است لخواه کرد و خیلی میل داشتیم که جواب عقاید مرا وزیر معارف بدهد و طرف من ایشان باشند که در مطالب بنده سوء تعبیر نشود و کیل با و کیل اینطور صحبت نمایند

رئیس - رأی می گیریم بکافی بودن مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند ( اغلس قیام نمودند )

رئیس - معلوم می شود مذاکرات کافی است آقای نظام الدوله پیشنهادیکه فرمودید بخلاف رأی است که داده شده چون در ضمن تصویب مواد تصویب شد که اعضاء شورای عالی معارف نباید وظیفه داشته باشد و این پیشنهادیکه فرموده اید که مقرری داشته باشند برخلاف آن مواد است

**نظام الدوله** - مسترد میدارم

رئیس - رأی می گیریم بلاایسه شورای عالی معارف که مشتال بر پایزده ماده است آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمائید

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد نیم ساعت تنفس داده می شود ( در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید )

رئیس - قتل از شروع بسؤالات یک فقره راپورت کبسیون بود چه که مدتی است تعطیل مانده قرائت می شود و رأی می گیریم ( آقای سهام السلطان بمضمون ذیل قرائت نمودند )

کبسیون بود چه لایحه نمره ۲۴۸۲۴ وزارت مالیه را راجع ببرقراری ماهی هشت و یک تومان ونه قران و پانزده شاهی ملاوه بر ماهی سیزده تومان و دو سوت و پنجاه دینار حقوقیکه مطابق قانون وظایف بیال و یک پسر صغیر و دو نفر صبایای صغار مرحوم عداد الدوله تعلق گرفته و بموجب ماده واحده پیشنهاد کرده بودند تحت مطالعه در آورده و ماده واحده ذیل را تصویب و پیشنهاد مجلس مقدس می نماید

ماده واحده - در مورد عیال و یک پسر صغیر و دو نفر صبایای صغره مرحوم عداد الدوله ماهی مبلغ هشت و یک تومان ونه قران و پانزده شاهی ملاوه بر حقوق دیوانی مشارالیه هم بقسمی که قانون وظایف در حق ورثه مقرر داشته تصویب می نماید که از تاریخ فوت آن مرحوم تا آخر حوت ایت تیل ۱۴۰ بطور شهریه پرداخت شود

رئیس - در این باب مخالفی هست یا خیر گفتند خیر

رئیس - چون مخالفی نیست رأی می گیریم آقایانیکه تصویب میکنند ورثه سفید والا ورثه کبود خواهند داد

خوب است لخواه کرد و خیلی میل داشتیم که جواب عقاید مرا وزیر معارف بدهد و طرف من ایشان باشند که در مطالب بنده سوء تعبیر نشود و کیل با و کیل اینطور صحبت نمایند

رئیس - رأی می گیریم بکافی بودن مذاکرات آقایانی که مذاکرات را کافی می دانند قیام نمایند ( اغلس قیام نمودند )

رئیس - معلوم می شود مذاکرات کافی است آقای نظام الدوله پیشنهادیکه فرمودید بخلاف رأی است که داده شده چون در ضمن تصویب مواد تصویب شد که اعضاء شورای عالی معارف نباید وظیفه داشته باشد و این پیشنهادیکه فرموده اید که مقرری داشته باشند برخلاف آن مواد است

**نظام الدوله** - مسترد میدارم

رئیس - رأی می گیریم بلاایسه شورای عالی معارف که مشتال بر پایزده ماده است آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمائید

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد نیم ساعت تنفس داده می شود ( در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید )

رئیس - قتل از شروع بسؤالات یک فقره راپورت کبسیون بود چه که مدتی است تعطیل مانده قرائت می شود و رأی می گیریم ( آقای سهام السلطان بمضمون ذیل قرائت نمودند )

کبسیون بود چه لایحه نمره ۲۴۸۲۴ وزارت مالیه را راجع ببرقراری ماهی هشت و یک تومان ونه قران و پانزده شاهی ملاوه بر ماهی سیزده تومان و دو سوت و پنجاه دینار حقوقیکه مطابق قانون وظایف بیال و یک پسر صغیر و دو نفر صبایای صغار مرحوم عداد الدوله تعلق گرفته و بموجب ماده واحده پیشنهاد کرده بودند تحت مطالعه در آورده و ماده واحده ذیل را تصویب و پیشنهاد مجلس مقدس می نماید

ماده واحده - در مورد عیال و یک پسر صغیر و دو نفر صبایای صغره مرحوم عداد الدوله ماهی مبلغ هشت و یک تومان ونه قران و پانزده شاهی ملاوه بر حقوق دیوانی مشارالیه هم بقسمی که قانون وظایف در حق ورثه مقرر داشته تصویب می نماید که از تاریخ فوت آن مرحوم تا آخر حوت ایت تیل ۱۴۰ بطور شهریه پرداخت شود

رئیس - در این باب مخالفی هست یا خیر گفتند خیر

رئیس - چون مخالفی نیست رأی می گیریم آقایانیکه تصویب میکنند ورثه سفید والا ورثه کبود خواهند داد



نموده اند براه سرخس که گویا از آنجا هم صدور مال التجاره اشکال دارد و رئیس گمرک آنجا اشکال تراشی ها میکند خواستم از آقای وزیر مایه سؤال کنم که آیا اقدامی فرموده اند که وسائل تسهیل تجارت تریاک را فراهم کند یا خیر

**وزیر مایه** - چون از موضوع سؤال مسبق نبودم در جلسه آنجا جواب عرض خواهم کرد .

**رئیس** - آقای وزیر مایه از موضوع سؤال که آقای قبل السلطنه میخواهند بکنند مسبق هستند یا خیر ؟

**وزیر مایه** - به بنده اطلاعی نداده اند .

**رئیس** - پس هنوز نرسیده است آقای ارباب کبکسر از آقای رئیس الوزراء در موضوع مسامتت از خروج اتباع ایران از سرحد سؤالی دارند .

**ارباب کبکسر** - آنچه در اواخر کابینه سابق اطلاع حاصل شد در کابینه سابق تصمیمی اتخاذ شده بود که اتباع ایران بدون اجازه دولت از سرحدات ایران خارج نشوند ولی بدون اینکه يك اعلانی شده باشد و هفتی معین شده باشد باین لحاظ كه همه كه بر سرحدات رفته بودند اسباب زحمت برایشان فراهم شد حالا این تصمیم از چه نقطه نظر بوده بنده نمی دانم و البته آقای رئیس الوزراء خواهند فرمود باری گمان می کنم که این قسمت را هم باید مزید بر

په بخشی رنجبران این مملکت تصور نمود برای اینکه اشخاصی که می خواهند از سرحدات خارج بشوند با مصلحتی بیانشند بکه برای تحصیل میروند و یا اشخاص زحمتکش دیگری که برای کار میروند و یا مرضانی هستند که برای معالجه مسافرت می کنند .

فست دیگری نیز می باشند که برای تفنن خارج می شوند و گمان می کنم اشخاصی که زود تر موفق به خارج شدن می شوند همان قسمت اخیر باشند که کلبه وسائشان مرتب است .

سندی در چندی قبل فرموده است ، منعم بگوه و دشت و بیابان فریب نیست آیا تصور نمی شود که در این دما ت دور دست اگر بعضی از این اشخاص بخواهند از سرحدات خارج شوند بجهت وسایله می توانند خودشان را بر کمر مرفی نمایند فیر از اینکه يك اسباب زحمتی در محل برای آن ها فراهم شود .

يك قدری روشن تر باید عرض کنم با اخلاقی که ما در مأمورین خود سراغ داریم باید دست بدمان آنها شده و دامن آنها را بیوسند تا بتوانند يك اجازه حاصل نمایند .

اخیراً خود بنده در يك قسمتی که

بآقای رئیس الوزراء رجوع نمودم این قسم جواب فرمودند : که هم اقرب نظام نامه در این باب ب مجلس پیشنهاد خواهد شد بنده خواهش می کنم تا این نظام نامه به مجلس پیشنهاد نشده و از تصویب مجلس نگذشته است این مسئله را بعال سابق خود بگذاورند تا وقتی که نظام نامه آن تصویب گردد و البته هر نوع که مجلس صلاح دانست اجرا خواهد شد این است چیست ؟

**رئیس الوزراء** - این دو مسئله است یکی مسئله مسافرت است و دیگری مسئله مهاجرت و نباید این دو مسئله را با هم مخلوط نمود .

در مملکت ما مسئله مسافرت تابع يك قانونی است که دولت مکلف است مادام که مجلس شورای ملی آن قانون را نقض ننموده آنرا اجرا نماید .

قانون تذکره تکلیف مسافرت را تعیین نموده و هر کس میخواهد مسافرت نماید باید تذکره بگیرد تذکره هم فر ع يك ترتیبات و مقدماتی است برای اینکه اشخاص جانی نتوانند فرار کنند باید پلیس محل تصدیق کند که این شخص مجرم نیست و برای فرار از تأدیبه مالیات و خدمت نظام مسافرت نمی نماید .

باین جهت چه در مرکز و چه در ولایات اشخاصی که می خواهند از سرحدات خارج شوند باید تذکره بگیرند و تذکره خود را با مضای سفارت گری ها یا سفارت خانه های مملکتی که می خواهند به آنها مسافرت می نمایند برسانند و مذاکره آنها باید در آنجا ویژه بشود و اگر ویژه نشود مجبورند که جرم بدهند و بر گردند این قانون از روی مطالعاتی نوشته شده و مادام که مجلس شورای ملی آن قانون را نقض ننمود دولت نمی تواند از اجرای آن استنکاف ورزد حالا اگر آقایان نمایندگان تصور می کنند این قانون تذکره برای امروز مملکت مناسب نیست ممکن است هیئت دولت در آن مطالعاتی نمود و نتیجه مطالعات خود را ب مجلس پیشنهاد نماید ولی مادام که در آتیه يك قانونی قانقنم قانون فعلی نگردد دولت نمی تواند قانون تذکره را نقض کند اما راجع بمسئله مهاجرت يك قانونی راجع بآن موجود نیست که بنده بتوانم از روی آن قانون اجازه ندم مسئله مهاجرت فیر از مسافرت است مسئله مهاجرت هم که شخص مهاجر دیگر نمی خواهد بمملکت مراجعت نماید مطابق قانون تابعیت یا قدغن است و بنده هم قانون دیگری فیر از قانون تابعیت که در سنه ۱۳۱۴ نوشته شده نمی دانم حالا اگر قانون هم موافق

مقتضیات و مصالح مملکت نیست و نظریاتی که آقای ارباب کبکسر و دارند باید ملحوظ شود منوط باین است که قانون جدیدی وضع شود ولی مادام که این قانون وضع نشد دولت چه در باب مسافرت و چه در باب مهاجرت تکلیف دیگری ندارد

**رئیس** - آقای ارباب کبکسر و (اجازه)

**ارباب کبکسر** - در سؤالی که بنده نمودم هیچ يك از این دو نظری که آقای رئیس الوزراء فرمودند نبود بنده بهیچوجه همچو عقیده نداشتم که برخلاف قانون تذکره رفتار شود و همچو وقت هم همچو عقیده نداشتم که کی ترک تابیت کند فرض بنده هم این بود که قانونی که از قدیم مرسوم بود و مجری بود علت ندارد در اواخر کابینه گذشته طرح جدیدی بر آن ریخته شد البته تبه ایران وقتی بخواهد تذکره بگیرد باید تمام مجاری را که يك قانون برای آن معین نموده طی نماید بنده هیچ در این باب مضایف نیست ولی در باب طرح جدید باین قسمتی که همه جا دستور داده شده است که هر ایرانی بخواهد از سرحد خارج شود باید از مرکز اجازه بگیرد مضایف زیرا مسئله باعث اشکال خواهد بود مثلاً فلان شخص يك حساب تجارتی با فلان نقطه هندوستان دارد اگر معطل بشود ممکن است تا خودش را بر مرکز مرفی نماید باعث فوت وقت هودلدا بنده عرض می کنم خوب است همان قانون تذکره که در سابق بود اجرا شود و قانون مهاجرت هم بموقع خود مجری گردد ولی نه اینکه هر کس هم که يك کار قوتی داشته باشد بواسطه طول مدت کارش فوت گردد و استعفا میکند توجهی بفرمایند و رفع این مشکل را بنمایند بنده خودم دچار این مشکل شدم یعنی از یزد به بنده تلگرافی شد و برای يك عده که بجهت تصفی حساب می خواستند به هندوستان مسافرت نمایند درخواست تحصیل اجازه نمودند بنده بوزارت خارجه رجوع کردم بعد از يكماه الی چهل روز جواب دادند که این مسئله بیا مربوط نیست و بوزارت داخله رجوع شد بنده بآنجا مراجعه کردم بعد از چندی جواب دادند که چنین خبری از وزارت خارجه بیا نرسیده دو باره مجبور شدم عرضی جداگانه بوزارت داخله نوشته و یکی یکی آن اشخاص را مرفی نمودم بالاخره اجازه صادر شد مقصود این است بکه حالا بنده در اینجا بودم و آنها هم ببنده رجوع کردند و پس از چهل روز تحصیل اجازه نمودند

**رئیس** - آقای آفایشخ ابراهیم زنجانی راجع بمسئله معین خارجه سؤالی دارند .

**زنجانی** - بنده چندی قبل درخواست نموده بودم راجع باینکه از کلیه مستخدمین خارجه که در ایران می باشند صورتی تقدیم مجلس شود و در آنجا مدت کثرت و زمان کثرت و اینکه آیا کثرت ایشان باین طرح جدید باین قسمتی که همه جا دستور داده شده است که هر ایرانی بخواهد از سرحد خارج شود باید از مرکز اجازه بگیرد مضایف زیرا مسئله باعث اشکال خواهد بود مثلاً فلان شخص يك حساب تجارتی با فلان نقطه هندوستان دارد اگر معطل بشود ممکن است تا خودش را بر مرکز مرفی نماید باعث فوت وقت هودلدا بنده عرض می کنم خوب است همان قانون تذکره که در سابق بود اجرا شود و قانون مهاجرت هم بموقع خود مجری گردد ولی نه اینکه هر کس هم که يك کار قوتی داشته باشد بواسطه طول مدت کارش فوت گردد و استعفا میکند توجهی بفرمایند و رفع این مشکل را بنمایند بنده خودم دچار این مشکل شدم یعنی از یزد به بنده تلگرافی شد و برای يك عده که بجهت تصفی حساب می خواستند به هندوستان مسافرت نمایند درخواست تحصیل اجازه نمودند بنده بوزارت خارجه رجوع کردم بعد از يكماه الی چهل روز جواب دادند که این مسئله بیا مربوط نیست و بوزارت داخله رجوع شد بنده بآنجا مراجعه کردم بعد از چندی جواب دادند که چنین خبری از وزارت خارجه بیا نرسیده دو باره مجبور شدم عرضی جداگانه بوزارت داخله نوشته و یکی یکی آن اشخاص را مرفی نمودم بالاخره اجازه صادر شد مقصود این است بکه حالا بنده در اینجا بودم و آنها هم ببنده رجوع کردند و پس از چهل روز تحصیل اجازه نمودند

**وزیر مایه** - در موضوع مستخدمین خارجه که در خدمت وزارت مایه و شبان آن محل گمرک و غیره می باشند صورتی از آنها تهیه و تقدیم مجلس شده و در موضوع نظامیان هم صورت آن تهیه و تقدیم خواهد شد

**رئیس** - آقای حاج میرزا زاده در موضوع حملات خلاف قانون حکومت ببنده حباس سؤالی دارند

**حائری زاده** - در بندر عباس شخصی هست موسوم باقلمیرزا عبدالعسین هراتی که نماینده تجار می باشد و مال التجاره که از هندوستان وارد می شود بتوسط او حمل و نقل می شود شخصی در یزد موسوم به حاج شیخ مهدی از میرزا عبدالعسین بدلیه شکایت نمود حکومت بندر عباس هم نمیدانم بچه نظریه بنده اینست که احضار به آمه مشارالیه را دستگیر نموده و اظهار می دارد که باید شما را تحت الحفظ یزد بفرستم و مسئول این سرتها کی است و تاچه وقت باید مردم بهین حال باشند

**رئیس الوزراء** کلیه این اطلاعات تلگرافاً بوزارت داخله رسیده است دولت هم حکومت را مسئول این سرتها میداند

عبدالعسین متخلص و تکلیفی برای او معین شده است یا خیر

**رئیس الوزراء** - در این باب تلگراف شکایتی بوزارت داخله رسیده بود تلگراف اکیدی ب حکومت بندر عباس شد که میرزا عبدالعسین را مستخلص نمایند و قیماً مستخلص شده است و در باب مجازات حکومت هم اقدامی شده است و نتیجه عرض مجلس خواهد رسید

**رئیس** - آقای ارباب کبکسر و راجع بیزان قروض سابق دولت ایران بروسه سؤالی دارند

**ارباب کبکسر** - سوال بنده ققط راجع بیزان قروض نبود بلکه چیزهای دیگری را هم شامل بود و آن این است که مطابق اجازه مبادله عهدنامه ایران و روس که از طرف مجلس داده شده است در آن عهدنامه در عرض حقوقی که دولت ایران داشت از طرف دولت روسیه يك چیزهایی واگذار بدولت شده بنده خواستم سوال نمایم که آیا میزانی بدست آمده است که آنچه بدولت ایران واگذار شده بالغ بر چه مبلغ می باشد و قرض دولت ایران بدولت سابق روسیه که در این ضمن مستهلك شده است چه مبلغ بود ؟

**رئیس الوزراء** - بوزارت مایه دستور داده شده است يك لایحه در این باب تهیه نموده و تقدیم دارد و وزارت خارجه هم در این خصوص تحقیقاتی نموده و رسیدگی کرده است که تا اندازه معین شده است پس از اینکه هر دو لایحه حاضر شد بمجلس تقدیم خواهد شد

**رئیس** - آقای حاج میرزا زاده سرتقی راجع بسرتقتهائی که در بین یزد و کرمان شده است سؤالی دارند

**حاج میرزا زاده سرتقی** - البته خاطر معترم آقای رئیس الوزراء از سرتقتهائی که متوالیا در خط یزد و کرمان می شود مسبق است اخیراً بطوریکه بنده اطلاع رسیده يك عده بلوچ در اطراف وجوانب کرمان آمده و آنچه مردم داشتند بغارت برده اند و اخیراً باز بین راه یزد و کرمان بیست هزار تومان مال التجاره سرقه شده است خواستم از آقای رئیس الوزراء سؤال نمایم که آیا ایالت کرمان با گرفتن ماهی هجده هزار تومان بعنوان قراض سورتی مسئول این سرتقتهائی است یا خیر ؟ اگر مسئول است چرا از این سرتقتهائی جلوگیری نمی نمایند ؟ و اموال سرتقه شده را مسترد نمیدارند تا بصاحبانش بدهد و اگر هم مسئول نیست خوب است بفرمایند بکه مسئول این سرتقتهائی است و تاچه وقت باید مردم بهین حال باشند

**رئیس الوزراء** - بوزارت مایه دستور داده شده است يك لایحه در این باب تهیه نموده و تقدیم دارد و وزارت خارجه هم در این خصوص تحقیقاتی نموده و رسیدگی کرده است که تا اندازه معین شده است پس از اینکه هر دو لایحه حاضر شد بمجلس تقدیم خواهد شد

**رئیس** - آقای حاج میرزا زاده سرتقی راجع بسرتقتهائی که در بین یزد و کرمان شده است سؤالی دارند

**حاج میرزا زاده سرتقی** - البته خاطر معترم آقای رئیس الوزراء از سرتقتهائی که متوالیا در خط یزد و کرمان می شود مسبق است اخیراً بطوریکه بنده اطلاع رسیده يك عده بلوچ در اطراف وجوانب کرمان آمده و آنچه مردم داشتند بغارت برده اند و اخیراً باز بین راه یزد و کرمان بیست هزار تومان مال التجاره سرقه شده است خواستم از آقای رئیس الوزراء سؤال نمایم که آیا ایالت کرمان با گرفتن ماهی هجده هزار تومان بعنوان قراض سورتی مسئول این سرتقتهائی است یا خیر ؟ اگر مسئول است چرا از این سرتقتهائی جلوگیری نمی نمایند ؟ و اموال سرتقه شده را مسترد نمیدارند تا بصاحبانش بدهد و اگر هم مسئول نیست خوب است بفرمایند بکه مسئول این سرتقتهائی است و تاچه وقت باید مردم بهین حال باشند

**رئیس الوزراء** کلیه این اطلاعات تلگرافاً بوزارت داخله رسیده است دولت هم حکومت را مسئول این سرتها میداند

و ب حکومت یزد و کرمان هم تلگرافاً احکام لازم صادر شده است که مسئله را تعقیب نموده و برای استرداد اموال مسروقه وسیله فراهم نماید و اخیراً هم چون در یزد قوا کافی نبود بقدر کفایت قوه فرستاده شده است و امیدوارم بعد از رسیدن قوه اسباب امنیت بسین یزد و کرمان فراهم آید .

**رئیس** - آقای سلیمان میرزا راجع به بانک ایران سؤالی داشتند

**سلیمان میرزا** - مسئله بانک ایران که سابقاً بانک استراضی رهنی نامیده می شد یکی از مسائلی است که مکرر در اینجا مذاکره شده

ولی چون راجع بمایهات مملکت است هر قدر هم این مطلب در این مجلس مکرر شود باز هم آنرا در خود تکرار می بینم سوال امشب بنده راجع باین است که این بانک از راه خسارات فوق العاده که باین مملکت بدیقت رسیده بیا داده شده است و مجاناً و بلا عوض و ترجحاً بیا واگذار نشده است بلکه شاید بتوان گفت هنوز هزار يك از آن خساراتی که بيك هزارم از مملکت ما وارد آمده جبران نشده است و در حال بیکفادار اشیا و مطالباتی در مقابل این خسارات فوق العاده باین مملکت واگذار شده است

یکی از آنها این مؤسسه بانک میباشد و این مؤسسه با بسیاری از اشخاص حسابهای زیادی دارد و يك وقتی این مؤسسه از اولین مؤسسه بشمار میرفت و اغلب تجار و متمولین پولهای زیادی از آنجا گرفته اند و در عرض املاک خود را در آن گذارده اند

امروز که این مؤسسه بیا واگذار شده است نمی دانم چه روی داده که آن حسابها در آن موقعی که طرف اجنبی بود و رسمیت داشت و برداشته می شد امروز که عسرت مایه مملکت را همه می دانند و همه در این مسئله متفق الرأی هستند که عسرت بمنتهی درجه رسیده است بطوریکه حقوق مسلمین بتمامه بتأخیر می شود در درجه دوم و سوم واقع شده است و این مسئله مسکوت عنه گذارده شده خاطر آقایان مسبق است که این همان بیت المالی است که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در موضوع يك قرص نان آن معامله را با برادرش عقیل نموده یعنی موقعی که برادرش يك قرص نان زیادی خواست يك آهنی را در آتش سرخ نمود و نزدیک دست بردارد برد و باو فرمود که از يك آتشی که انسان آتزا گرم نموده اینطور ناله میکنی من چه طور در موضوع مایه مسلمین نفوذ بالا تصور نمایم و تترسم از آتشی که خدای تعالی روشن کرده است بلی این همان بیت المالی مسلمین است که امروز بار آن بدوش ما و کلام محول شده است و این بار باری است پس گران و بزرگ که ما باید بگوییم که بوظیفه خودمان داجع بآن

عمل نمایم این است که حقیقه هر وقت صحبت از مایه می شود مسئله علی علیه السلام و برادرش عقیل دردم نظرم مجسم شده و متزلزل می شوم که این چه بار سنگینی چه وظیفه مهمی است که ما بردوش گرفته ایم و چگونه می توانیم در مقابل خدا و خلق بکسالت از مسئولیت متخلص شویم باین زمینه که عرض کردم این است که بنده از مسئله مایه مکرر موضوعها را تکرار می کنم شاید موفق شوم وظیفه را که بعهده دارم انجام دهم و از خداوند هم طلب باری می نمایم بعد از این مقدمه عرض می کنم که مسئله این بانک که راجع بحقوق تمام مسلمانان است نه حقوق بيکنفر بنده یا دولت تنها مدتها است در درجه دوم و سوم واقع شده و مسکوت منه مانده

در همین مملکت اشخاصی هستند که بيکی در مویون همین بانک مقروض میباشد و باین حال در کمال خوبی صاف و ساده در این شهر مشغول میکنند خوب مردم می باشد و این که می گویم میکنند خون مردم برای این است که عقیده دارم هر کس يك قرص نان بدون استحقاق از مایه مملکت ببرد و بیا يك دينار از بیت المال مسلمین را بپوشان

تخفیف و غیره بپردازد خون مردم است که میمکد و در پیش خلق و خدا مقصر می باشد و این هم چیزی نیست که با استغفار بخشیده شود بنابراین بنده متحیرم که این اشخاص که مدیون بیت المال مسلمین هستند در چه خیال می باشند و چرا بپاسبان رسیدگی نمی شود ؟

این است در این موقع که هیئت دولت هم در اینجا تشریف دارند سوال می نمایم که آیا باین حسابها رسیدگی می شود و این معنی لاینحل و این مسئله چیزی مشکل را کدام معلم یا معاسب ممکن است حل نماید چندی قبل در روزنامه ها اعلانی از طرف بانک دیدم که هر کس تا مدت معین حاضر شود حسابش را با بانک تفریح نماید املاکش توقیف و اشیائی را که در گرو گذارده است طرح خواهد شد باز هم عرض می کنم املاکی را که در بانک گرو گذارده اند ممکن است ب دیگران نقل و انتقال داده باشد و امروز هم بهینطور به طفره و تمل می گذرد برای اینکه یارک دارند اتمو بیل دارن و در جزو فقر محسوب نمی شوند بقیه من این اشخاص را باید بقوه قانون مقهور کرد و گفت بدارائی و تنول خودتان ننازید و قروض خودتانرا بدهید و سا وجود اینکه بیکجا متجاوز از تاریخ اعلان می گذرد این اشخاص بکه خون مردم را میبکنند این زالوهای درشت و این وبا و طاعونهای اجتمائی هنوز حاضر برای تصفی حساب خودشان نشده اند و بر بیت المال مسلمین وصول خواهد شد و استعفا میکنم در نهایت صراحت و وضوح بفرمایند

این است در این موقع که هیئت دولت هم در اینجا تشریف دارند سوال می نمایم که آیا باین حسابها رسیدگی می شود و این معنی لاینحل و این مسئله چیزی مشکل را کدام معلم یا معاسب ممکن است حل نماید چندی قبل در روزنامه ها اعلانی از طرف بانک دیدم که هر کس تا مدت معین حاضر شود حسابش را با بانک تفریح نماید املاکش توقیف و اشیائی را که در گرو گذارده است طرح خواهد شد باز هم عرض می کنم املاکی را که در بانک گرو گذارده اند ممکن است ب دیگران نقل و انتقال داده باشد و امروز هم بهینطور به طفره و تمل می گذرد برای اینکه یارک دارند اتمو بیل دارن و در جزو فقر محسوب نمی شوند بقیه من این اشخاص را باید بقوه قانون مقهور کرد و گفت بدارائی و تنول خودتان ننازید و قروض خودتانرا بدهید و سا وجود اینکه بیکجا متجاوز از تاریخ اعلان می گذرد این اشخاص بکه خون مردم را میبکنند این زالوهای درشت و این وبا و طاعونهای اجتمائی هنوز حاضر برای تصفی حساب خودشان نشده اند و بر بیت المال مسلمین وصول خواهد شد و استعفا میکنم در نهایت صراحت و وضوح بفرمایند

این است در این موقع که هیئت دولت هم در اینجا تشریف دارند سوال می نمایم که آیا باین حسابها رسیدگی می شود و این معنی لاینحل و این مسئله چیزی مشکل را کدام معلم یا معاسب ممکن است حل نماید چندی قبل در روزنامه ها اعلانی از طرف بانک دیدم که هر کس تا مدت معین حاضر شود حسابش را با بانک تفریح نماید املاکش توقیف و اشیائی را که در گرو گذارده است طرح خواهد شد باز هم عرض می کنم املاکی را که در بانک گرو گذارده اند ممکن است ب دیگران نقل و انتقال داده باشد و امروز هم بهینطور به طفره و تمل می گذرد برای اینکه یارک دارند اتمو بیل دارن و در جزو فقر محسوب نمی شوند بقیه من این اشخاص را باید بقوه قانون مقهور کرد و گفت بدارائی و تنول خودتان ننازید و قروض خودتانرا بدهید و سا وجود اینکه بیکجا متجاوز از تاریخ اعلان می گذرد این اشخاص بکه خون مردم را میبکنند این زالوهای درشت و این وبا و طاعونهای اجتمائی هنوز حاضر برای تصفی حساب خودشان نشده اند و بر بیت المال مسلمین وصول خواهد شد و استعفا میکنم در نهایت صراحت و وضوح بفرمایند

**سلیمان میرزا** - بنده باز هم یادآوری می کنم موضوع موضوع مایه است اگر می خواهند مجلس دوره فترت نداخته باشد بیکانه وسیله آن اصلاح مایه و بودجه است .

ما اگر می خواهیم بوظیفه خودمان عمل نموده باشیم باید بنایه و بودجه مملکت اهمیت بدهیم این است که بنده در این موقع از حق خود استفاده نموده و کلام عرض می کنم که آیا تا بعال بحساب چه اشخاصی رجوع شده است و اشخاصی که بشد از این اعلان تسویه حساب خود حاضر نشده اند کدام ملکشان توقیف شده و آیا ممکن است بدانها تا چند وقت دیگر يك مقداری از این حق مشروع خودمان یعنی وجود بیت المال مسلمین وصول خواهد شد و استعفا میکنم در نهایت صراحت و وضوح بفرمایند

چه اهمیت می دهند بولی خورده اند و ملکی است برده اند و البته دیگر پس نخواهند داد .

می خواستم سوال کنم در صورتی که مدت اعلان گذشته است آیا دولت و بانک اقدامی در توقیف این املاک فرموده اند و آیا این املاک را توقیف کرده اند یا خیر در این ساعت چندراز اموال این اشخاص را که حقوق مردم را نبرداخته اند توقیف شده و کی چرخهای این موسسه راه خواهد افتاد و ماو کلاه که مسئولیت بزرگ مایه مملکت بر گردنشان می باشد چه وقت می توانیم بگوییم تا اندازه ایفای وظیفه نموده ایم و بالاخره چه وقت ممکن است از معاسبات بانک مطلع شویم و باز هم تکرار می کنم چندراز این املاک توقیف شده ؟ و اگر توقیف نشده علت توقیف نشدنش چیست ؟

**رئیس الوزراء** - راجع بتحويل گرفتن ائانه بانک چه در مرکز و چه در ولایات اقداماتی شده و انجام گرفته و صورت آن معلوم است ولی چیزی که هست بانک يك مطالباتی دارد و در مقابل يك قروضی هم دارد رئیس بانک در بدهی تشکیل یافته حاضر خواهش کرد بیک کمیسیون تشکیل شود که يك اجلاصات معینی در خود بانک داشته باشد و بمعاسبات بانک رسیدگی نمایند لذا کمیسیونی در ادارات و وزارتخانه ها معین شده است که مرتباً اجلاصاتی دارند و راجع بقروض و مطالبات بانک رسیدگی می نمایند و البته راپورتش هم تقدیم خواهد شد راجع بتوقیف اموال و املاک هم البته بعد از اینکه این کمیسیون راپورت خودش را ب رئیس بانک داد و از رئیس بانک هم بریاست وزراء می فرستند چنانکه حتمه قهره هم تابحال رسیده است و برای اتخاذ تصمیمی راجع بآن در هیئت وزراء مطرح بحث می باشد و تصمیمات لازمه اتخاذ خواهد شد

که فلان شخص و فلان آدم و فلان مدیر به بانک مقروض می باشد و فلان مقدارش تا کتون وصول شد و فلان ملک هم توقیف شده است

اگر اینطور ممکن است بفرمائید و الا بطور کلی بنده قانع نمی شوم

**رئیس الوزرا** - عجالتا ملکی کسی توقیف نشده است و چنانچه عرض کردم هنوز کمیسیون راپورت خودش را نداده است و بنگلاره بعضی ها هستند که حاضرند محاسبات خود را با بانک تصفیه نمایند و بعضی هم در مقابل فروضی که به بانک دارند می خواهند قبوضی که از بابت مطالبات خود دارند در مقابل فروضی که به بانک دارند محسوب نمایند در این باب رجوع به هیئت وزراء شد و قرار شد قبوض آنها را محسوب دارند نمیکنند بعضی هم باشند که حاضر شوند محاسبات خود را تفریح نمایند کمیسیون هم دستور داده شد که در این خصوص رسیدگی نموده ره هیئت وزراء راپورت دهد البته اگر چنین اشخاص باشند در باب آنها یک تصمیم قطعی اتخاذ خواهد شد ولی فعلا هنوز راپورتی نرسیده است.

**رئیس** - آقای تدین راجع با آقای تقی زاده سؤالی دارید

**تدین** - از فراری که از خارج شنبه ام و در بعضی جرایم مرگزی هم شونده ام از طرف دولت با آقای تقی زاده تکلیف شده است که بر روسیه بروند و ایشان هم قبول کرده اند نظر باینکه بدو اوقات را قبول کرده اند و این دو شغل باهم منافی است لازمه قبول این مأموریت استغای از حق نمایندگی خواهد بود و علاوه بر این قبول عدم قبول ایشان موثر در عمل انتصابات تهران است یعنی اگر او کالت استغفا بدهند و نمایندگی دولت را قبول کنند بفرموده منتخبین تهران افزوده خواهد شد و باید اهالی تهران سه نفر را انتخاب نمایند و اگر نمایندگی دولت را قبول نکرده باشند انتخاب دو نفر کافی خواهد بود لافلا از آقای رئیس الوزرا سؤالی می کنم که این مطلب صحت دارد یا خیر ؟

**رئیس الوزرا** - بلی آقای تقی زاده بریاست هیئت اعزامیه مسکو برای انعقاد عهدنامه تجارتي و قرارداد پستی و تلگرافی و قرارداد راجع بقونسولگریها و بعضی مطالب دیگر از طرف دولت معین شده اند و اعضا این هیئت هم تعیین شده و همین چند روزه حرکت خواهند کرد

**رئیس** - آقای مستشار السلطنه در باب اعزام والی بروجرد از آقای رئیس الوزرا سؤالی دارند؟

**مستشار السلطنه** - آقای رئیس الوزرا البته توجه فرموده اند اعزام والی بسایر ایالات و ولایات آن اندازه اهمیت

را که اعزام والی بفرستان و بروجرد باید داشته باشد ندارد برای اینکه موقع رفتن والی بفرستان چنانچه یکماه قبل هم مرض هیئت دولت رساندم تقریباً یکماه یا چهل روز بعید مانده می باشد و باید والی لرستان در اوایل حوت در مقر حکومتش حاضر باشد و مشغول عملیات شود و الا اگر از این موقع بگذرد مسکن است ایلات در مراجعت از قشلاق اسباب زحمت شوند و دولت وقت هم در مجلس تعهد کرده اند که والی معین شده و بزودی بمقر ایالت خودش خواهد رفت و گویا آقای فرمانفرما انتخاب شده اند و از فراری که می شتوم ایشان حاضر برای حرکت نیستند.

اینست که از آقای رئیس الوزرا سؤال می کنم استکفای آقای فرمانفرما صحیح است یا خیر ؟ و اگر صحیح است برای ایالت لرستان والی در نظر گرفته اند یا خیر ؟ و برای تسریع اعزام والی چه اقدامی فرموده اند .

**رئیس الوزرا** - راجع بشاهزاده فرمانفرما همین طور است که مذاکره شد چون از طرف وزارت داخله تأکید شده بود که بمحل مأموریت خود عازم شوند چند روز قبل شاهزاده خودش به بنده نوشته بودند که بواسطه کسالت شاهزاده نصرت الدوله نمی توانم باین زودی حرکت کنم بهتر این است دولت از رفتن بنده منصرف شود و یک نفر دیگر را بفرستند و وزارت داخله هم در نظر گرفته است که همین زود بیا والی دیگری بفرستند و همین چند روز ترتیب اثر داده و والی حرکت خواهد کرد و ضمناً برای اطلاع خاطر آقایان عرض می کنم بموجب تلگرافی که از لرستان داشتیم اردوی دولتی هم فتح کرده است

**رئیس** - شاهزاده محمد هاشم میرزا راجع بحکومت دزدان سؤالی داشتند

**محمد هاشم میرزا** - به موجب تلگرافی که از تربت برای آقای مؤتمن - السلطنه و خود این بنده رسید جمعی از تجار شاکه هستند که نماینده دولت دزدان از تجار و مسافرن بعنوان مخته یول می گیرند و مدعی هستند که تا دوهزار تومان بموجب دفتار می توانیم معین کنیم که از مردم یول گرفته در این موضوع آیا اطلاع دارند و تحقیقاتی فرموده اند یا خیر ؟

**رئیس الوزرا** - این تلگراف امشب الان بنده رسیده که شکایت از ارفع الممالک حا کم دزدان کرده اند البته لازم بتحقیقات است بعد از تحقیقات نتیجه را عرض می کنم .

**رئیس** - آقای حاج شیخ اسدالله راجع بمعااهده تجارتي با روسیه سؤالی دارند .

**حاج شیخ اسدالله** - اگر چه

آقای رئیس الوزرا در ضمن توضیحاتی که نسبت بسؤال یکی از نمایندگان دادند معلوم شد که در نظر گرفته اند برای انعقاد معاهدات تجارتي بین دولت ایران و دولت روسیه هدهه مسکو اعزام دارند ولی چون مدتی است بنده این سؤال را کرده ام و حالا می خواهم اطمینان کاملتر و نزدیکتری بدهند که زودترین معاهده منتهی شود و در ضمن می خواهم آقای رئیس الوزرا و هیئت دولت را که البته از بنده ابصر تر هستند تذکر بدهم و البته می دانند و ضعیفات اقتصادی و تجاری ایران بچه حال است تقریباً در سال هفتاد کرور واردات زیاد تر از صادرات است و همین جهت است که امروز وضع ما ناگوار و سختی در بازار ایران و تجار مشاهده می شود اگر گشادهای نکرده این مطلب ادامه پیدا کند یک وضعیت ناگوار پیدا خواهد شد و این مطلب خیلی اسباب نگرانی عموم اهالی این مملکت را فراهم کرده و بلاوه بیشتر این نزاعها وجدالهائی که امروزه در تمام آن می شود برای خاطر همین مطلب است و هر مملکتی که تجارت او زیاد تر باشد و در دنیا فاتح تر و نیرومند تر است و لطمه اقتصادی که باین مملکت وارد شده است برای این است که روابط تجارتي ایران با روسیه مدتی است منقطع شده و یک معاهده تجارتي در بین نیست و علاوه بر آن تجارتي که برای این مملکت خیلی نافع بود که گواه باطوم باشد بواسطه اینکه تکلیف تجارت و ترانزیت ما با دولت هم جوار خودمان معلوم نیست امروزه تجارت ما در حال وقفه است و البته آقای رئیس الوزرا همان قسم که فرمودند در نظر دارند این معاهده بسته شود البته در ضمن معاهده تجارتي حق ترانزیت از دولت روسیه بیا واگذار خواهد کرد با این مقدمات از آقای رئیس الوزرا سؤال می کنم تا چند روزی دیگر می توانند با اطمینان بدهند که موفق بانعقاد این عهدنامه می شوند که اسباب امیدواری عمومی رافراهم نمایند

**رئیس الوزرا** - این کابینه از بدو تشکیل بدو مساله که راجع بروابطین ایران و روسیه بود خیلی اهمیت داده است یکی مسئله فرستادن يك هیئتی بسکو برای انعقاد قرارداد هائی که باید موافق عهد نامه بسته شود از قبیل عهد نامه تجارتي و فراراد های پستی و تلگرافی و تعرفه گمرکی و قرارداد راجع بقونسولگری ها و بعضی مطالب دیگر یکی هم مسئله راجع بتصدید حدود طرف خراسان است که برای اینکار هم باید يك میزبانی بروند و تصدیق حدود بکنند و هر دو این هیئت ها منتخب شده اند ولی اگر تا کنون حرکت نکرده اند بواسطه این بوده است که باید اسباب کارشان مرتب شده باشد

یعنی يك مطالعاتی در این باب باید بشود و يك تحقیقاتی بشود که وقتی بمعل می روند معلوم نمایند و از برای هر چه محتاج بدستور العمل نباشند و عجالتا در نتیجه این مطالعات يك زمینه هائی تهیه شده است و امیدوارم بزودی این کارها تمام شود که هر دو هیئت بتوانند عازم شوند آقای حاج شیخ اسدالله در ضمن بیانات خودشان مسئله ترانزیت را متذکر شدند در این مسئله هم دولت بهیئت اعزامیه به مسکو دستور العملهای لازمه را خواهد داد که در این مسئله سعی کند که موافق میل دولت ایران تصفیه شود و بنده امید وارم همانطور که آقایان نمایندگان مایل هستند موافق میل دولت ایران تسویه بشود باین معنی که فقط ما حق داشته باشیم مال التجار ایران را چطور ترانزیت بفرنگستان بفرستیم بلکه میتوانیم از فرنگستان هم وارد ایران کنیم و سفر فوق العاده ما در مسکو در این باب هم اقداماتی کرده و وزیر خارجه دولت سارت هم باو کاغذی نوشته اند که مفاد آن کاغذ را تلگراف کرده اند و از مفاد آن کاغذ معلوم میشود که دولت سارت در این باب همراهی خواهد کرد و در آن کاغذ و مدعه صریح بود که مال التجاره های ممالک قریبی از راه روسیه وارد ایران بشود و نیز از طرف دولت هم دستور العمل های لازمه بهیئت اعزامیه داده خواهد شد و امیدوارم این هم در ضمن سایر مسائل تصفیه شود

**رئیس** - آقای آقا میرزا طاهر تنکابنی - همه آقایان میدانند که مالیات ایران از قدیم الایام ترتیبی داشتند و کتابچه دستور العمل های مخصوص تا کنون متداول بوده است و ما هم در این ادوار چهار گانه مجلس ندیده ایم مالیات جدیدی وضع شود و یا قانونی در این باب نوشته باشد ولی از قراریکه می شویم در سواحل بحر خزر و بخصوص در مازندران و گیلان عشریه میگیرند خواستیم به بینم این وضع عشریه برای چیست و از روی چه قانونی است با اینکه الان آقای رئیس الوزرا در خصوص قانون تذکره فرمودند ( قانون تذکره جدید را تا مجلس نقص بکنند بحال خود باقی خواهد بود ) پس دو باب عشریه که اصلا مجلس قانون جدیدی وضع نکرده است گرفتن عشریه چه معنی دارد علاوه همه آقایان هم میدانند در بلوک مختلفه و کپور کلارستان و تنکابن چیز دیگری نیست در آنجا مالیات نواقل و سوق الدواب و همچنین بعضی مالیاتهای که ماغذنداند

گرفته میشود خواستیم به بینم آقای وزیر ماله در این باب اطلاعی دارند یا خیر

**وزیر مالیه** - مسئله اخذ عشریه در سواحل بحر خزر مثل رشت و مازندران موافق تصویب نامه هیئت دولت بوده است که چند سال قبل صادر شده و چون اخذ عشریه موافق موازین عشریه است صحیح است و از سابق هم که معمول شده وزارت ماله هم همان ترتیب سابق را تعقیب کرده

**آقا میرزا طاهر تنکابنی** - آقای وزیر ماله میفرمایند در باب عشریه بموجب تصویب نامه های دولت سابق بوده و نیز میفرمایند اخذ عشریه موافق قانون شرع است ولیکن متأسفانه عرض میکنم گویا بنده هم يك قدری فقه خوانده ام و اصول خمس و زکوة را میدانم و تا کنون چنین چیزی شنیده ام علاوه بر این هر گجا مسئله گرفتن است و صرفه با دولت است قانون مجلس لازم نیست و هر گجا مسئله دادن است آنوقت قانون مجلس لازم است دیگر اینکه در مسئله نواقل تفهیمیم چه جواب فرمودند

**رئیس** - ( خطاب با آقای مستشار السلطنه ) راجع بتشکیل ماله سثوالی مجدداً میخواستند سؤال کنند )

**مستشار السلطنه** - خیر همان سثوال است و مقصودم این است که زودتر جواب گفته شود

**رئیس** - آقای حاج میرزا عبد الوهاب راجع بمسئله دلالی در همدان سثوالی دارند .

**حاج میرزا عبدالوهاب** - بنده مرض می کنم که این مالیات دلالی که متصل بزمایه گذارده می شود در صورتیکه مطابق اصل نود و چهار قانون اساسی وضع مالیات باید بتصویب مجلس باشد چه مالیاتی است و از کی باید بگیرند ؟ و چقدر بیا باید بگیرند ؟ همینقدر مبلغ آنرا از ده هزار تومان پنجهزار تومان میتوبند و اگر این طور باشد فردا از هر جا و اداری پنج تومان یا ده تومان خواهند گرفت و علاوه بر این مالیاتی که از دلایل قرار شده است بگیرند و باید دلال محل اطمینان باشد آنوقت اگر یکی دوقتر از این دلایها بیابند اجاره کنند و در بین راه مال التجاره مردم از میان برود این دلایها که مفلس هستند و چیزی ندارند تکلیف مردم چه خواهد بود

**رئیس الوزرا** - در باب کلیه مالیاتها و هوارضی که در ایام قرت برقرار شده است من جمله هوارضی است که در تهران برای بلديه اخذ میشود در جلسه گذشته عرض کردم کمیسوی تشکیل شده است که در این باب مطالعه کند و پس از آن نتیجه مطالعات آنها به مجلس

خواهد آمد البته هر کدام از آنها را که مجلس صلاح بداند نقض خواهد کرد و دولت هم رأی مجلس را بموقع اجرا خواهد گذاشت ولی اگر فعلا در باب این هوارضی يك اقداماتی بشود یعنی بعضی هارا نقض کنند و بعضی هارا برقرار کنند باز بکطرف باعث نکت عایدات بلديه ها میشود و از طرف دیگر از روی يك اساسی نیست و منتهی خواهد بود بنده تأکید میکنم که زود تر آن کمیسیون مطالعات را تمام و به مجلس تقدیم کند که زودتر نتیجه مطلوبه حاصل شده و يك ترتیب قطعی اتخاذ شود

**حاج میرزا عبدالوهاب** - بنده فرمایشات آقای رئیس الوزرا را تصدیق میکنم ولی این يك قسمتی است که تا بحال نبوده و تازه می خواهند من هندی برقرار کنند و بر حسب فرمایش آقای رئیس الوزرا خوب است این مسئله متروک بماند تا کمیسیون مطالعه کند و به مجلس بیاید وقتی که مجلس تصویب کرد البته تمام افراد ملت در مقابل رأی مجلس مطیع و متقاند

**رئیس** - آقای تدین از آقای وزیر عدلیه سثوالی دارند

**تدین** - سؤال بنده از آقای وزیر عدلیه راجع بچند فقره است که از مستملکات شاهزاده کامران میرزا بوده است و بعد مدیر اسلامی خریده است بنده مطابق اطلاعاتی که دارم و اظهاراتی که مدیر اسلامی می نمودند تصور میکنم اینطور باشد میگیرند نسبت باملاک مزبوره بعنوان تأمین مدعی به قرار محکمه صادر شده ولی قرار محکمه جریان قانونی پیدا نکرده باین معنی که محکمه قرار تأمین مدعی به داده است ولی جریان قانونی خودش را سیر نکرده و بطرف ابلاغ شده و در صورتیکه حکم محکمه جریان قانونی خودش را سیر نکند البته میشود کسی که يك ملک را در خارج خریده است او را طرف حمله قرار داد و ملکی را که خریده و از سابقه آن اطلاع نداشته در تحت توقیف در آورد این است که از آقای وزیر عدلیه سؤال میکنم آیا این اظهاراتی که مدیر اسلامی میکنند همین طور است و یا اینکه آن قرار تأمین مدعی به که محکمه داده است مراحل قانونی خودش را سیر کرده است ؟

**وزیر عدلیه** - مطلبی که نماینده محترم از بنده سثوال کردند راجع است به يك دهوائی که لایه همه شنیده ام این دهوائی بین کامران میرزا و میرزا علی محمد خان منفرد و تصدیق خواهند فرمود که بالاخره باید این دعوی خانه پیدا کند بنابراین بنده بر حسب وظیفه خودم را مکلف دیدم که داخل در ختم این قضیه بشوم قبل از آنکه جواب نماینده محترم را عرض کنم لازم است يك اصلی را بوجوب ساده هتمت قانون اصول معاکمات حقوقی که

میگوید حکم محکمه راجع چیز تغییر نمی دهد جز حکم خود آن محکمه یا محکمه عالی تر تذکر بدهم پس این اصل را در نظر میگیریم بعد داخل در قضیه می شویم پس از آنکه منفرد نسبت بشاهزاده امیر کبیر اقامه دعوا کرده است از طرف محکمه امر ارجاع به معترض شرع شده منفرد در بین معاکمه به محکمه اطلاع داده است که امیر کبیر در صدور فروش اموال خودش است و مطابق قانون از محکمه تقاضا کرده است يك قسمت از اموال امیر کبیر را بعنوان تأمین مدعی به در تحت توقیف در آورند برای چه برای اینکه پس از ختم معاکمه حقایق منفرد ثابت بشود معلی باشد که از آن محل حق او داده شود محکمه هم بموجب دو فقره صادر داشت قرار توقیف املاک مفصله ذیل را در مقابل ادعای آقای میرزا علی محمد خان منفرد و معزز الملک بعنوان تأمین مدعی به صادر کرده املاک عبارت است از قزل حصار خسرو آباد صبا آباد و سة فقره دیگر و قرار تأمین هم با آقای شیخ رضا و کیل امیر کبیر ابلاغ شده است و از طرف اداره اجراء املاک مزبور در نزد رعایا و مباشرین توقیف شده و توقیف نامه رسمی هم اخذ شده پس بنا بر این هلیاتی که مستنزم اجرای حکم محکمه است بعمل آمده علاوه وقتی شنیده شد این املاک را می خواهند بفروشند اعلانی از طرف وزارت عدلیه راجع بتوقیف املاک مزبور و عدم مشروعیت خرید و فروش آنها در روزنامه ایران منتشر شده این مقدمات از طرف وزارت عدلیه بجا آمده و اجرا هم شد و پس از آن آقای امیر کبیر همین املاک توقیف شده را با آقای اسلامی فروخته اند با وجود اینکه مطابق یکی از مواد قانون اصول معاکمات تبدیل آن شئی توقیف شده بچیز دیگر باید رضایت مدعی باشد پس هر نقل و انتقالی که در این باب واقع بشود البته برخلاف قانون است و این اصل هم مسلم است که توقیف حق مالکیت کسی را سلب نمی کند و تا حق استفاده را موقتاً سلب می کند و تا زمانی که از محکمه و یا معترض شرع حکمی بر علیه مالک صادر نشده بمالکیت خود باقی است ولی حق هیچگونه نقل و انتقالی ندارد بنابراین در چندی قبل بنده اطلاع دادم املاکی که در تحت توقیف اداره اجرای عدلیه بوده است امیر کبیر برخلاف مقررات قانونی این املاک را فروخته اند و بنده وظیفه غیر از این نداشتم که این املاک را بحال اولیه خودش هودت دهسم یعنی بگویم همانطور که محکمه قرار توقیف این املاک را داده توقیف باشد تا تکلیف معاکمه معین بشود و چون در یکی از مواد قانون اصول معاکمات موردی را معین کرده است که هر گاه صاحب ملک بخواهد ملک

توقیف شده خود را بفروشد میتواند معاملت میزان مدعی به در صندوق عدلیه و دیعه بگذارد و ملک را از توقیف خارج کرده بفروشد بنده هم برای اینکه کاملاً مراعات قانون را کرده باشم در آن حکم تصدیق خودم مقرر داشتم که این املاک توقیف باشد مگر قسمتی را که آقای امیر کبیر اخذ فرموده اند بیاورند بعنوان دیعه در صندوق عدلیه بگذارند یا اگر تمام یا يك قسمتی از قیمت این املاک را آقای اسلامی تأدیه نکرده اند ایشان بصندوق عدلیه تأدیه به کنند اگر این کار را بکنند املاک از او است والا غیر از این مورد جز اجرای حکم محکمه تکلیف دیگری نداشتم این بود عملیات بنده و در همین زمینه بنده حکم دادم

**رئیس** - راپورت کمیسیون هرایس میباید برای جلسه دیگر این راپورت يك قسمتش راجع بوزیر مالیه و يك قسمت راجع بوزیر پست و تلگراف است و آقایان وزراء هم باید تشریف داشته باشند که در اول افتتاح جلسه مذاکرات بشود آقای سلیمان میرزا ( اجازه )

**سلیمان میرزا** - همین را خواستم عرض کنم که آقایان وزراء هم تشریف داشته باشد چون بدون حضور آقایان وزراء ماهر مذاکره راجع بتظلمات مردم بکنیم بی فایده است

**رئیس** - آقای نظام الموله ( اجازه )

**نظام الدوله** - بنده تجدید سؤال را تقاضا کرده بودم اگر اجازه میفرمائید در تعقیب سؤال آقای تدین عرض کنم

**رئیس** - بفرمائید

**نظام الدوله** - شرحی که راجع به آقای اسلامی و آقای امیر کبیر و آقای منفرد مذاکره شد در يك قسمت آن آقای وزیر عدلیه اظهاراتی فرمودند چون بنده هم مسوومانی در این قضیه داشتم میخواستم عرض کنم که يك دعوی هم از طرف آقای امیر کبیر نسبت ببیرزا علی محمد خان منفرد هست و گویا تقاضا کرده اند محکمه تشکیل بشود ولی چون این قسمت خارج از موضوع است نمیخواهم سؤال کنم فقط عرض میکنم آیا ملکی را که قرار توقیف آن صادر شده هر گاه مالک آن ملک توقیف شده را به فروشد آیا برای فروشد مجازاتی هست یا اینکه باید ملک دیگری را در تحت سلطه و توقیف بیاورند

**وزیر عدلیه** - البته همین طور که آقای نظام الدوله اشاره فرمودند بنده صلاحیت داخل شدن در ماهیت دعوی را ندارم و این وظیفه محکمه و حاکم شرعی است که برای ختم دعوی معین شده اند و اینکه

فرمودند آقای امیر کبیر دعوی نسبت به منفرد دارند و تقاضای تشکیل محکمه کرده اند جواباً عرض می کنم که معاکم عدلیه حاضر است و مطابق مقررات قانون تمام افراد این مملکت حق دارند از معاکم استفاده کنند و کسی مانع ایشان نبود و ممکن است مراجعه کنند و هر ضعیف بدهند این دو مطلب را چون بطور مقدمه فرمودند بنده هم مجبور بودم بطور مقدمه جواب عرض کنم ولی اینکه فرمودید آیا مجازاتی برای کسی که این املاک را خریده است ملغی شده است یا نه...

**نظام الدوله** - خریدار را عرض نکردم عرض کردم آیا مجازاتی برای فروشنده هست؟

**وزیر عدلیه** - بعقیده بنده هم برای خریدار وهم برای فروشنده یک مجازات هائی هست و عدم اطلاع از قانون هنر نمی شود و در روی این اصل که باید تمام افراد مطلع از قوانین مملکتی باشند اگر کسی برخلاف قانون رفتار کند و ملک توقیفی را بفرد مجازات آن خریدار همین قدر بی است که ملک را از او بگیرند و مجازات فروشنده هم این است که در زحمت می افتد و عوض اینکه جواب یک طلبکار را بدهد باید دو طلبکار را جواب بدهد

خاتمه عرض میکنم که فروش این املاک از نقطه نظر خلاف قانون بودنش با موجود بودن مواد صریح قانون هیچ معنی تردیدی نیست املاکی را که وزارت عدلیه مطابق قوانین و مطابق احکام شرع توقیف میکنند باید محکم محکمه را معترم شمرد

**آقا سید یعقوب** - توقیف مطابق قانون شرع نیست

**وزیر عدلیه** - اگر وزارت عدلیه املاکی را برای اینکه کلاه دیگری از سرش برداشته نشود توقیف میکنند البته نباید بگذارد آن املاک را بفروشد و باید بپردازد همانند که هر کس آن املاک توقیف شده را خریداری نماید آن معامله منزلزل است و اگر غیر از این باشد تأمین مدعی به معنی ندارد منطلق ندارد وقتی که من می خواهم مطابق قوانین مملکتی در عوض طلب خودم تقاضای توقیف کلی را بکنم باید آن توقیف معترم شمرده شود هر کس برخلاف قانون رفتار کند باید مجازات خود

**نظام الدوله** - چون فرمودند عقیده خودشان را اجرای قانون قرار داده اند و شخصاً هیچوقت یک عقیده را اظهار نمیکند جواباً عرض می کنم اجرای همین قانون جزا هم معترم است برای اینکه بر طبق فرمایش خودشان بعضی اینکه یک ملکی را که از محکمه قرار توقیف صادر شده و بصاحب ملک ابلاغ شده اگر مالک

آن را بفروشد یک مجازاتی برای آن شخص هست و نمی شود گفت قوانین جاریه مملکت را نسبت بگیرد باید مشمول داشت زیرا این مثل قضیه آن کسی است که بگویند ما تورا از بالای بلندی یائین می اندازیم تا عبرت سایرین بشود خوب است خودش را ببنداند و بعقیده بنده گمان نمیکنم توقیف ملک غیر برای دیگری مورد داشته باشد

**وزیر عدلیه** - گرچه در سؤال و جواب فقط عقیده یک نفر از نمایندگان معترم معلوم می شود و آن عقیده حاکی از افکار مجلس نیست باین ملاحظه بنده هم این فرمایش اخیر آقای نظام الدوله را فقط بعنوان عقیده شخصی ایشان تلقی میکنم ولی خیال می کنم برعکس است وقتی که قانون تأمین مدعی به میدهد و محکمه هم بر طبق قانون قرار توقیف ملکی را صادر می کند هر معامله که در اطراف آن بشود برخلاف قانون است بنابراین صدور حکم توقیف از طرف بنده مطابق مقررات قانون است

**رئیس** - آقای آقا سید یعقوب هم سؤالی دارند

**آقا سید یعقوب** - در همین مسئله بنده ناچارم حکم شریعت را اظهار کنم

**رئیس** - پس بطور سؤال بفرمائید **آقا سید یعقوب** - در مجلس شورای ملی در جائیکه ما هستیم و مسائل شرعی خوانده ایم

**رئیس** - بطور سؤال بفرمائید **آقا سید یعقوب** - همین را می خواهم عرض کنم که توقیف سلب مالکیت نمیکند و هیچ چیز غیر از آنچه در قوانین شرع است سلب مالکیت نمی تواند بکند مگر بمیل خود مالک چنانچه در قرآن است لا تجارة من تراضا اگر محکمه مطابق قانون شرع حکم داد آنوقت ما هم می توانیم بگوئیم صحیح است

ولی توقیف کجا سلب مالکیت کرده است که وزیر می گوید من می خواهم سلب مالکیت بکنم و اینکه می فرمایند بر حسب قانون جزای عرفی باید مجازات شود قانون جزای عرفی هیچوقت اجرا نمیشود در زمان قدرت و جهالت وضع شده است بر فرض هم که آقایان عمل کنند سیاست را نسبت بفروشنده بیاورد نه نسبت بخریدار و تا حکمی بر علیه فروشنده صادر نشده باشد نمی شود او را مسلوب الاختیار نمود

**رئیس** - توصیه می کنم وقتی سؤال می کنید بطور سؤال باشد

**وزیر عدلیه** - بنده همین طور که آقای رئیس فرمودند بدقت فرمایشات

بزیانده رود هم جزو دستور میشود **ارباب کیخسرو** - پیشنهادی که کرده بودم خوشبختانه چهل نفر از آقایان هم امضاء کرده بودند و فرمودند در جلسه آتی برای می گیریم استدعا میکنم آنهم جزو دستور باشد

**رئیس** - این حتمی است چون گفته شده بود جزو دستور است تکرار نشد

**رئیس الوزراء** - لایحه تشکیلات وزارت داخله است چون وزارت داخله یک تشکیلاتی که از مجلس شورایی گذشته باشد نداشت باین واسطه گاهی یک تغییراتی در وزارت داخله داده میشود که فی الواقع اسباب سوء جریان امور میشد برای اینکه از تعبیرات مصون بماند و یک ترتیب اساسی پیدا کند این لایحه که راجع به تشکیلات مرکزی و تشکیلات حکومتی است پیشنهاد می شود و بنده توجهات آقایان نمایندگان را باین لایحه معطوف میدارم که توجهی بفرمایند که زودتر بگذرد

(تسلیم آقای رئیس نمودند) (مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد)

**جلسه ۷۹**  
**صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه بیست و سوم حوت ۱۳۰۰ مطابق چهار دهم رجب ۱۳۴۰**  
مجلس دو ساعت قبل از غروب بریاست آقای موتن الملک تشکیل گردید

صورت مجلس یوم شنبه بیست و سوم حوت را آقای سهام السلطان قرائت نمودند **رئیس** - ایرادی نسبت بصورت مجلس هست یا نه (گفته شد خیر)

**رئیس** - صورت مجلس تصویب شد لایحه الحاقیه آب کارون بزیانده رود مطرح است شور دوم است (آقای سهام السلطان ماده اول را به شرح ذیل قرائت نمودند)

مجلس شورای ملی برای تهیه وسایل الحاق آب کوه رنگ بزیانده رود مبلغ سیصد هزار تومان بوزارت فواید عامه اعتبار می دهد

**رئیس** - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

**ارباب کیخسرو** - بنده قبلاً عرض می کنم مثل آن دفعه سه تعبیر نشود که بنده مخالف با اساس این امر هستم خیر بنده کمال موافقت را دارم ولی آن چه که عرض می کنم راجع به بی اساس این لایحه است بنده از شور اول ملاحظه داشتم بر طبق آن هم پیشنهادی دادم که اگر مبلغ نشود برای اینکه بموجب اظهارات خود آقای وزیر فواید عامه و معبر معترم و بیانات آقایانی که از این لایحه دفاع می کردند معلوم شد که هنوز پیشنهادی

**رئیس** - پیشنهاد الحاق آب کارون

آقای وکیل معترم را گوش دادم ولی از آنجائی که از بنده سؤال کردم نفهمیدم کی بود بالاخره میدانم بچه جواب بدهم ایشان یک چیزی بعقیده خودشان فرمودند ممکن است بنده این عقیده را داشته باشم یا نداشته باشم با وجود اینکه با طرز سؤال نماینده معترم من مکلف بجواب نیستم ولی جواب عرض می کنم نمی دانم ایشان از چه نقطه نظری قانون جزای عرفی را در بین آوردند در صورتی که اینجابهیچ اسم قانون جزای عرفی برده نشده من گفتیم قانون اصول معاکمات حقوقی فرق است ما بین اصول معاکمات حقوقی و قانون جزای عرفی اما اینکه فرمودند شرعاً توقیف سلب مالکیت نمی کند بنده خودم هم میدانم اساساً آن شخص مالک است ولی مادامی که محاکمه خاتمه نیافته نمی تواند آن شئی یا ملک توقیف شده را بمصرف فروش برساند و اساس مالکیت خود را بدیگری انتقال دهد ولی هر گونه تصرفاتی میتواند بکند می تواند محصولش را ببرد گندمش را حمل کند پس اگر مالک این حق را هم یعنی حق فروش ملک توقیف شده را هم داشته باشد تأمین مدعی به چه معنی دارد؟ فرض بفرمائید من امروز مدعی هستم و اطمینان دارم که در ضمن جریان محاکمه مدعی علیه دارائی خودش را از دست میدهد و پس از زحمات زیاد و خاتمه محاکمه و صدور حکم یک ورقه بالا بلند افلاس جلوی من خواهد گذاشت در اینصورت جز تقاضای تأمین مدعی به کار دیگری می توانم بکنم پس مدعی حق دارد که برای ادعای خودش تقاضای تأمین بکند وقتی که شما قائل شدید که مدعی این حق را دارد که از اموال منقول و غیر منقول مدعی علیه تأمین مدعی به بخواهد در اینصورت مدعی علیه حق ندارد از یک قسمت حق مالکیت خودش یعنی نقل و انتقال بدیگری استفاده نماید و اگر غیر از این باشد بچه وسیله می شود طلب های مردم را تأمین کرد در اینصورت توقیف اموال منقول و غیر منقول بعنوان تأمین مدعی به چه معنی دارد؟ بنا براین بنده باز هم تکرار می کنم که بنده فقط و فقط مجری قانون هستم

**آقا سید یعقوب** - بنده هم فقط غرض این بود که بشما خاطر نشان کنم که توقیف سلب مالکیت نمیکند

**رئیس** - جلسه آتی روز سه شنبه سه ساعت بغروب مانده دستور اول را بورت کمبسیون عرض راجع بپیشنهاد وزیر مالیه نسبت ببعضی مستمریات

**شیخ الاسلام** - در آن جلسه وعده فرمودید پیشنهاد راجع بگزارون که طبع شده برای روز سه شنبه جزو دستور می شود

**رئیس** - پیشنهاد الحاق آب کارون